

ویژگی‌های کودکان پیش از دبستان



هدف‌های رفتاری: در پایان این فصل، دانش‌آموز باید بتواند:
ویژگی‌های جسمی، اجتماعی، عاطفی، شناختی و زبانی هر گروه سنی را مطالعه کند و براساس آن‌ها بتواند
فعالیت‌های گوناگون را برای هر گروه، تنظیم و اجرا نماید.

مقدمه

برای فراهم آوردن محیط آموزشی مطلوب، مربیان باید رشد را به منزله‌ی یک فرایند متوالی و در عین حال منسجم و یک پارچه درک کنند. زیرا در محدوده‌ی چنین فرایندی مهارت‌های جسمانی، اجتماعی، عاطفی، شناختی و زبانی درهم تنیده و یک پارچه می‌شوند. این یک پارچگی، کودک را مشتاق یادگیری می‌کند و او را در جست‌وجوی تازه‌ها و کشفیات فعال خواهد کرد.

مهارت‌های کودکان معمولاً به تدریج و گام به گام شکل می‌گیرد. مثلاً راه رفتن ابتدا با خزیدن، چهار دست و پا رفتن و ایستادن شروع می‌شود و بالأخره به راه رفتن می‌انجامد و یا صحبت کردن با گریه آغاز می‌شود و تا ارتباط کلامی ادامه می‌یابد و به همین صورت، نقاشی کردن و سایر توانایی‌های کودک که تقریباً در یک سن خاص مهارت‌هایی را کسب می‌کند و رفتار خاصی را نشان می‌دهد از این‌رو داشتن جدول زمان‌بندی شده برای مهارت‌های کودکان می‌تواند آغازگر فعالیت‌هایی باشد که توان اجرایی را از کودکان توقع داشت. در این جا ضمن ارائه‌ی جدول رشد کودکان^۱ (جدول ۱-۱) مجدداً به این نکته اشاره می‌شود که:

آگاهی از توانایی کودک، هرگز مشخص‌کننده‌ی یک نقطه‌ی زمانی، برای کسب یک مهارت نیست، بلکه تنها دامنه‌ی تغییرات را نشان می‌دهد و رشد را به صورت یک فرایند کل مطرح می‌سازد. بنابراین، در نظر گرفتن توالی رشد مهم‌تر از توجه به سن تقویمی است.

۱- سی فلت کارل، ویفتنابور: آموزش و پرورش دوران نخستین کودکی ترجمه‌ی سوسن سیف، انتشارات دانشگاه الزهرا

تولد تا یک سالگی:

جسمی:

رشد سریع
الگوی خواب کودکان، از خواب و بیداری در اثر گرسنگی، گریه، اضطراب تا خواب شبانه و دو مرتبه بیداری در طول شب، تغییر می‌کند.
الگوی غذا خوردن کودکان، از هر سه ساعت یک وعده غذا تا سه مرتبه غذای مرتب در روز تغییر می‌کند.
کنترل عضلات گردن برای بالا نگه‌داشتن سر، میسر می‌گردد و کودک در چهار ماهگی از بالا گرفتن سر خود لذت می‌برد.
چشم‌ها برای کشف محیط، تمرکز روی اشیاء را آغاز می‌کنند.
در هفته‌ی شانزدهم، شروع به گرفتن اشیاء می‌نماید و در شش ماهگی اشیاء را می‌گیرد و رها می‌سازد و می‌تواند شیشه‌ی شیر خود را در «۶ تا ۸ ماهگی» نگه‌دارد.
در «چهار تا شش ماهگی» می‌تواند به‌طور ارادی غلت بزند.
در شش ماهگی احتمالاً اولین دندان ظاهر می‌گردد و در یک سالگی حدود دوازده دندان دارد.
در «شش تا هشت ماهگی» می‌تواند تعادل خود را نگه‌دارد و به تنهایی بنشیند.
در نه ماهگی می‌تواند خود را بالا بکشد و احتمالاً در وضعیت ایستاده قرار گیرد.
در شش ماهگی خزیدن را شروع می‌کند و در نه تا ده ماهگی روی سینه خزیده می‌رود. احتمالاً راه رفتن را شروع می‌نماید.

اجتماعی:

کودک در چهار یا پنج ماهگی می‌خندد.
از تکان دادن جفجغه لذت می‌برد و شروع به جست‌وخیز می‌کند.
مادر و سایر اعضای مهم خانواده را تشخیص می‌دهد.
دست و پا را تشخیص می‌دهد و با آن‌ها بازی می‌کند.
در شش ماهگی دوست دارد با خود و با سایرین بازی کند.
با غریبه‌ها به گونه‌ای متفاوت رفتار می‌نماید.
در بازی‌های کودکانه، شرکت و همکاری می‌کند.
رفتار دیگران را تقلید می‌نماید.

عاطفی:

گریه خود را، که ناشی از گرسنگی، سرما، و یا خیس شدن لباس بوده است، تشخیص می‌دهد.
عواطف خود را، از طریق تکان دادن تمام بدن، لگدزدن، حرکات بازو و دست‌ها، و تغییر قیافه، نشان می‌دهد.
هنگامی که دیدن سایرین و بودن با آن‌ها را احساس کند، از خود شادمانی نشان می‌دهد.
در شش ماهگی با بوسیدن و در آغوش گرفتن، محبت نشان می‌دهد.
علامت ترس را نشان می‌دهد.
اشیائی را که دوست ندارد، کنار می‌زند.

شناختی:

در ابتدا قیافه مادر را از سایرین و سپس قیافه‌های آشنا را از غریبه‌ها تشخیص می‌دهد. با نگاه کردن، چنگ زدن و به دهان گرفتن، دنیا را کشف می‌کند.
مدت‌ها اشیا را نگاه و بررسی می‌کند.
اولین علایم آگاهی از وجود اشیا اعتراضی است که در نبودن آن‌ها می‌نماید.
تکرار بعضی کارها و لذت بردن از آن‌ها، علامت کشف و شناسایی آن اعمال است.
تشخیص اشیای گم‌شده و جست‌وجوی آن‌ها در محل گم‌شده، از رشد حفظ بقای اشیا در نزد او خبر می‌دهد، که در شش تا دوازده ماهگی شروع می‌شود.
کشیدن یک شیء به طرف خود یا برطرف کردن مانع برای دستیابی به آن، نمونه‌ای از کارهای ارادی اوست.
کنجکاوی کودک درباره‌ی محیط اطراف خود فزونی می‌یابد.

زبان:

در دو تا چهارماهگی صداهایی شبیه صحبت کردن از دهان و گلو خارج می‌سازد.
علاوه بر صدای محیط، کلمات صدادار را نیز ادا می‌نماید.
در حدود شش ماهگی، ابتدا «ما - ما» و سپس «دا - دا» گفتن شروع می‌شود.
کلمات را تقلید می‌کند و الگویی از اصوات را بیان می‌دارد.
با تکان دادن دست‌ها، خداحافظی می‌کند.
هنگام صحبت مردم، ضمن درک اشیای کلی، به طرف آن‌ها نگاه می‌کند.

یک تا دو سالگی:

جسمی:

تعداد زیادی از مهارت‌های حرکتی شروع به رشد می‌کند.
رویدن دندان‌ها تا حدود هیجده ماهگی ادامه دارد و تمام بیست عدد دندان او، تا دو سالگی روئیده است.
عضلات درشت رشد می‌کنند. به تنهایی می‌ایستد. (تقریباً در یک سالگی)، می‌تواند روی سینه بخزد و صندلی خود را به اطراف حرکت دهد.
کودکان در حدود ۱۵ ماهگی شروع به راه رفتن می‌کنند و احتمالاً تا ۱۸ ماهگی راه رفتن آن‌ها دارای لغزش است.
توپ را در جعبه می‌گذارند و بیرون می‌آورند.
تویی را که در حال چرخیدن است می‌توانند بگیرند.
از پلکان می‌توانند خزیده به طرف پایین بیایند.
رشد حرکات ظریف پیشرفت دارد. می‌توانند اشیا را داخل جعبه بگذارند. یک مهره را بردارند، دو عدد مکعب بازی را کنار هم قرار دهند و قاشق را به دست گیرند.
لباس‌های ساده، مانند یک روسری، را می‌توانند به روی سر بپندازند.
در حدود ۱۸ ماهگی می‌توانند با مداد، خطوط عمودی و افقی رسم نمایند.
می‌توانند کتاب را ورق بزنند.
در دوره‌ی دو سالگی می‌توانند بدون کمک راه بروند.
می‌توانند بدون ولی معمولاً زمین می‌خورند.

بالا و پایین می‌پرند.
از بله‌هایی به ارتفاع یک پا، می‌توانند پایین بپرند.
با حرکت یک پا به طرف جلو می‌توانند از پلکان بالا و پایین بروند.
می‌توانند لیوان را با یک دست بگیرند.
حداقل شش مکعب بازی را می‌توانند کنار هم بچینند و مهره‌ها را نخ کنند.
در اتاق و در قفسه را می‌توانند باز نمایند.
قادر به نگاه‌های دایره‌ای و ماریچی هستند.
برای شروع کارها، دست را ترجیح می‌دهند.
کنترل نمودن ادرار روزانه را شروع می‌کنند.

اجتماعی:

در حدود یک‌سالگی، حسّی جزئی برای تشخیص بین خود و دیگران به‌وجود می‌آید. برداشت‌هایی از بازتاب تصورات اجتماعی حاصل می‌شود.
در ۱۸ ماهگی اصطلاحات شما و من را تشخیص می‌دهد.
بازی‌های خودبه‌خودی می‌کند و به بازی‌هایی با خود سرگرم می‌شود ولی به حضور اشخاص توجه دارد.
رفتارهای تقلیدی را ماهرانه‌تر اجرا می‌کنند.
اعضای بدن خود را تشخیص می‌دهد.
به موسیقی توجه دارد و به آن عکس‌العمل نشان می‌دهد.
در دو سالگی اجتماعی شدن او شکوفا می‌شود. بازی با والدین برای او جالب نیست و به همسالان بیش‌تر علاقه‌مند می‌شود.
به بازی‌های مقایسه‌ای علاقه‌مند می‌گردد.
تشخیص دادن خود از دیگران را فرامی‌گیرد.
برای کشف محیط و بیرون رفتن، برانگیخته می‌شود.
از مالکیت اشیا، آگاهی می‌یابد و احتمالاً حس مالکیت در او شدید می‌شود.

عاطفی:

در یک‌سالگی خوش‌خو و مهربان است.
در ۱۸ ماهگی در مقابل تغییرات مقاومت می‌کند. گاهی اوقات، ناگهان به مادر اجازه نمی‌دهد وی را ترک نماید.
تمایل به مقاومت، سرکشی، دعوا، دودیدن، و پنهان شدن دارد.
احساس گناه در او دیده نمی‌شود.
احساسات دیگران را درک می‌نماید.
در دو سالگی شروع به احساس گناه می‌کند و حس وجدان او شروع به کار می‌نماید.
روی کلمه (نه) تأکید می‌نماید. خودسری از خود نشان می‌دهد.
در خندیدن و جست‌زدن به اطراف زیاده‌روی می‌کند.

شناختی:

تصورات ذهنی: جست‌وجو کردن برای چیزهایی که مخفی شده‌اند، یادآوری، پیش‌بینی حوادث، ماورای این‌جا و آن‌جا

بودن و توجه فضایی و موقتی در او شروع می‌شود.

دلیل آوردن قیاسی: جست‌وجو کردن برای چیزهایی که در بیش از یک محل قرار دارند.
حافظه: در تقلید کردن تأخیر می‌نماید. پس از دیدن یک وضعیت، آن را با تأخیر آغاز می‌کند. اسامی اشیا را به خاطر می‌آورد.

در خاتمه‌ی این دوره، حفظ بقای اشیا کامل می‌گردد.
در دو تا سه سالگی رنگ سیاه و سفید را تمیز می‌دهد و احتمالاً (نام رنگ‌ها) را می‌برد. عدد یک را از تعداد زیاد تشخیص می‌دهد.

اعداد ۱ تا ۳ را به طور عادی می‌شمارد ولی غالباً به مفهوم آن پی نمی‌برد.
در حین گفت‌وگو و صحبت کردن، گفتار را به عمل تبدیل می‌کند. از طریق حرکت عضلات تفکر می‌کند.
اشیا و وسایل را در بازی شرکت می‌دهد. سپس سعی می‌نماید آن‌ها را به هم ارتباط دهد. در یادآوری حوادث از حس شناسایی برخوردار است و اصطلاحات امروز و فردا را می‌داند ولی گاهی اوقات آن‌ها را با یکدیگر اشتباه می‌کند.

زبان:

روان صحبت می‌کند ولی با اصطلاحات غلط.
با ایما و اشاره مطالب را بیان می‌کند.
به سؤالات ساده پاسخ می‌گوید.
در ۱۸ ماهگی به اصوات آشنایی دارد.
در ۱۸ ماهگی حدوداً ۲۰ تا ۵۰ لغت صحبت می‌کند.
بین ۲ تا ۳ سالگی، رشد او در به کارگیری زبان سریع می‌شود و ۳۰۰ تا ۱۰۰۰ کلمه را صحبت می‌نماید.
گرایش ناخودآگاه به دستور زبان را شروع می‌کند و با ضمائر ابتدایی (من) و (مال من) آشنا می‌شود.
جملات دو تا سه کلمه‌ای را به کار می‌برد.
با زبان آشنا می‌شود و با کلمات بازی می‌کند. کلمات و عبارات جدید را طوری تکرار می‌نماید که گویی مشغول تمرین است.
از وزن و آهنگ اشعار کودکان لذت می‌برد و آن‌ها را تمرین می‌نماید.
یک داستان را چندین مرتبه گوش می‌کند و از آن لذت می‌برد.

سه تا چهار سالگی:

جسمی:

توسعه‌ی مهارت‌های بدنی؛
سوار شدن به سه چرخه؛
به حرکت درآوردن وسایل مختلف (واگون)؛
دویدن مستقیم و منظم و متوقف شدن به آسانی؛
بالا رفتن از نردبان‌های مخصوص ژیمناستیک؛
پريدن روی دو پا؛
داشتن انرژی در سطح بالا؛
داشتن توانایی پریدن، ضمن دویدن در چهارسالگی
پرش با پا و یک پا را به جلو آوردن؛

برقراری تعادل روی یک پا ؛
عکس‌العمل نشان دادن به موسیقی و نسبتاً خوب استفاده کردن از اوقات ؛
توسعه‌ی مهارت‌های ظریف برای پوشیدن لباس، بستن زیپ، و احتمالاً دگمه‌ها ؛
کنترل شبانه‌ی ادرار .

اجتماعی:

اجتماعی شدن بیش‌تر ؛
تبدیل بازی‌های شخصی به بازی‌های مشترک، شرکت در فعالیت‌ها ؛
آگاهی از اختلافات نژادی و جنسی ؛
مفید واقع شدن به خصوص، به واسطه‌ی علاقه‌مند بودن به هم، مطابقت دادن کلمات با رفتار، شروع استقلال ؛
رشد قوه‌ی ابتکار و اعتماد به خود در چهارسالگی ؛
آگاه شدن از هویت جنسی ؛
واقعی دانستن هم‌بازی‌های خیالی (این دریافت ممکن است از دو و نیم سالگی نیز پیدا شود).

عاطفی:

شروع به طنز و خنده، در موقع خندیدن بزرگ‌سالان ؛
رشد کنترل داخلی روی رفتار ؛
کم‌تر منفی بودن ؛
شروع ترس که ممکن است تا ۵ سالگی ادامه یابد ؛
شروع احتمالی به گفتن دروغ عمدی در چهارسالگی (ولی در این هنگام والدین از این عمل جلوگیری می‌نمایند).

شناختی:

شروع به کسب مهارت‌های حل مسائل . (مکعب‌های بازی را در کنار هم می‌چیند، سپس با لگد آن‌ها را به هم می‌زند تا ببیند چه اتفاقی می‌افتد) ؛
کسب مهارت‌های گوش دادن (به عنوان وسیله‌ای برای یادگیری دنیای خود) ؛
ترسیم خطوط در سه سالگی هر چند مخدوش، (ولی در یک جهت است و از تکرار جلوگیری می‌شود) ؛
نقاشی، معرف افکار و دانستنی‌های او شدن، در چهارسالگی (که برای او اهمیت دارد) ؛
محدودشدن تفکر او به‌طور محسوس، به خصوصیات و صفات مشخصه (سؤال چرا؟) مکرراً مطرح می‌شود) ؛
دلیل آوردن برای وجود هر چیزی در دنیا (براساس معلومات خود کودک) ؛
وجود تفکر خود مداری ؛
شروع به جداسازی واقعیات از خیالات.

زبان:

در خاتمه‌ی سال چهارم، رشد زبان سریع می‌گردد. جملات صحیح و ساخت‌های پیچیده‌ی زبانی را به خوبی مورد استفاده قرار می‌دهد.
در سه سالگی طوری برای خود صحبت می‌کند که گویی در حال اجرای نقش بزرگ‌سالان است و فعالیت‌های خود را اجرا می‌نماید.

در چهارسالگی به نود درصد صداها و ترکیبات زبان مسلط است ولی امکان دارد در به کارگیری زمان افعال، جمع‌بندی‌ها و ضمائر، اشتباهاتی داشته باشد.
کلمات حمام و دوش گرفتن را درک می‌کند و از به کار بردن آن‌ها لذت می‌برد.

پنج تا شش سالگی:

جسمی:

برخورداری از تحرک، پایدار و کنترل شده؛
اقدام به دوچرخه سواری در بیش‌تر اوقات، علاوه بر سه چرخه؛
پریدن با یک پا به‌طور یک در میان و جست‌وخیز کردن؛
کنترل بیش‌تر روی حرکات ظریف بدن و شروع استفاده از وسایلی مانند، مسواک، برس، قیچی، اره، مداد، چکش و سوزن برای دوخت و دوز؛
به خوبی استفاده کردن از دست‌ها برای نوشتن و نقاشی کردن؛
کسب مهارت در لباس پوشیدن هر چند احتمالاً در بستن بند کفش به اشکال برمی‌خورد؛
لق شدن دندان‌ها در شش سالگی.

اجتماعی:

پیشرفت در اجتماعی شدن، به طوری که به ملاقات دوستان خود می‌رود؛
رسیدن به خودکفایی بیش‌تر؛
اصرار کردن به اجرای بیش‌تر (فعالیت‌ها را می‌تواند طرح‌ریزی و اجرا کند و روز بعد می‌تواند طرح روز قبل را ادامه دهد)؛
گرایش به بازی با دو یا سه نفر از دوستان (غالباً این بازی کوتاه مدت است و سپس عمل بازی را تغییر می‌دهد)؛
آغاز شدن عمل مطابقت‌دادن (در این صورت بسیار مفید واقع می‌شوند)؛
داشتن نقش بسیار مثبت در شش سالگی (اغلب به این وضعیت مسلط است و ریاست مآبانه رفتار می‌نماید و نصیحت‌پذیر است)؛

اشتیاق اول شدن در هر چیز (باختن برای او مشکل است)؛
داشتن حالت گزافه‌گویی و مالکیت
پایدار نبودن محبت او (غالباً یک ارتباط دوستی – تنفر با والدین دارد)؛
مشخص‌تر شدن نقش جنس (تمایل به نوع جنس دارد)؛
آگاه‌شدن از وضع لباس پوشیدن.

عاطفی:

ادامه داشتن طنز و خنده؛
تشخیص دادن صحیح از غلط؛
شروع به کنترل عواطف در پنج سالگی (قادر است عواطف خود را به روش‌های قابل قبول اجتماعی ارائه نماید)؛
دعوا کردن مکرراً به همسالان (ولی دوره‌ی آن کوتاه است)؛
غلبه کردن. تغییر عواطف در شش سالگی (به نظر می‌رسد که کودک در یک حالت هیجانی و عاطفی به سر می‌برد)؛

پدیدار شدن نقش‌های تازه با ورود به دبستان (مانند عصبانیت، غیظ و برآشفتگی)؛
لذت بردن از شست‌وشوی در حمام؛
رشد وجدان اخلاقی در پنج سالگی (ولی اعمال فقط به صورت خوب یا بد جلوه می‌نمایند)؛
رشد حس قبول مقررات در شش سالگی؛
اصرار غالباً بزرگسالان به آن‌ها برای اطاعت از قوانین؛
فاش کردن احتمالی اسرار و یاوه‌گویی کردن.

شناختی:

شروع به خاطر سپردن مقدار و طول؛
علاقه‌مندی به اعداد و حروف الفبا (تعدادی از کودکان به نوشتن حروف و اعداد و شمارش علاقه‌مند می‌گردند)؛
شناختن اکثر رنگ‌ها؛
شناسایی کلمه‌ای از بین کلمات چاپ شده که برایش معنی دار باشد؛
شناختن اوقاتی که مخصوص خودش باشد (می‌داند وقایع، در چه زمانی اتفاق می‌افتد ولی در روز یا هفته‌ای که خودش می‌داند)؛
شناختن فضای مخصوص و حرکت کردن در سرزمین آشنای خود؛
آغاز کردن به خواندن و نوشتن و حساب در خاتمه شش سالگی (میزان توانایی در این زمینه‌ها زیاد است)؛
نیاز به کمک داشتن تعدادی از کودکان حتی در خاتمه شش سالگی در موقع نوشتن و خواندن (احتمالاً دچار اشکال در خواندن و نوشتن گردند).

زبان:

پیشرفت مطلوب در زبان (حدود ۲۵۰۰ کلمه محاوره می‌نمایند)؛
داشتن مشکل احتمالی در تلفظ بعضی از حروف (مانند، لام، شین) گاهی اوقات؛
نداشتن فهم درستی از معنی بعضی کلمات (به طوری که موجب طنز و خنده می‌گردند)؛
گرایش از تصورات خیالی به واقعی (با استفاده از زبان، دیگران را کنترل می‌کنند و متکلم وحده هستند).

برای شناخت هر چه پیش‌تر کودکان و آگاهی از توانمندی آن‌ها، بهتر است یک نسخه از جدول رشد همه جانبه‌ی کودک در محلی قابل رؤیت نصب شود. این جدول، علاوه بر یادآوری سطح مهارت کودکان، به ما فرصت می‌دهد تا براساس آن و با توجه به توانمندی‌های سن خاص هر کودک، برنامه‌ریزی شود.

باید به خاطر داشت که در زمان استفاده از این جدول در هر گروه سنی، ویژگی‌های سن قبل و سن بعد را نیز باید مورد توجه قرار داد. مثلاً زمانی که با کودکان ۴ ساله سروکار داریم باید ویژگی‌های کودکان ۳ و ۵ ساله را نیز مد نظر قرار دهیم، زیرا چه بسا کودک ۴ ساله ما از جهت توانایی‌های حرکتی در حد حدود جدول ۴ ساله‌ها باشد اما از نظر شناختی جلوتر و یا کاستی بیشتری داشته باشد. بنابراین، در اجرای فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی باید به سه نکته اساسی توجه نمود:

۱- برنامه‌ها در سطح توانایی‌ها و رشد مهارت‌های کودکان باشد.

به طور مثال شما برای یک کودک ۳ ساله دفترچه رنگ‌آمیزی اشکال را می‌خرید و یا از او می‌خواهید که با وسایل ساختمان‌سازی، یک برج چند طبقه بسازد.

آیا هیچ فکر کرده‌اید که مهارت‌های حرکتی او در چه حد است؟ آیا او می‌تواند تطابق بین حرکت دست و چشم‌هایش را تنظیم کند، بنابراین، باید قبل از هر فعالیتی، مهارت‌های او را ارزیابی کنید.

۲- فعالیت در جهت رشد مهارت‌های همه جانبه باشد.

همان‌گونه که اشاره شد، مراحل رشد در هم تنیده است. بنابراین، باید در برنامه‌ریزی به رشد همه جانبه توجه نموده. به طور مثال کودکی که در مهارت حرکتی کمبود دارد، در بازی‌های کودکان شرکت نمی‌کند در نتیجه از نظر کسب مهارت اجتماعی دچار مشکل خواهد شد و نمی‌تواند احساسات خود را بیان کند. بنابراین، در برنامه‌ریزی باید به تقویت کلیه مهارت‌ها در کودک توجه داشت.

۳- در توالی‌های گوناگون رشد، به مهارت‌هایی که بعداً آن‌ها را کسب خواهد کرد، توجه شود.

کودکی را در نظر بگیرید که در ۲ سالگی می‌تواند سه کلمه را بیان کند، این کودک، همان کودکی بود که در ابتدا اصوات نامفهومی را ادا می‌کرد و در یک سالگی یک یا دو کلمه می‌گفت و طبیعتاً در ۳ سالگی جمله‌ای را به طور کامل خواهد گفت و در ۴ سالگی داستانی را می‌تواند تعریف کند.

با توجه به نکات فوق شما برای اجرای هر فعالیت و یا تهیه‌ی نمونه‌ی کار برای هر فصل، پس از تعیین نوع فعالیت، با توجه به گروه سنی مورد نظر، فعالیتی را طراحی و براساس ویژگی‌های سنی کودک آن را اجرا می‌کنید. مجدداً تأکید می‌شود که این فصل برای آگاهی و شناخت هر چه بیش‌تر شما از کودکی است که می‌خواهید برای او برنامه‌ریزی نمایید.

نقش و اهمیت بازی دوران پیش از دبستان



- هدف‌های رفتاری: در پایان این فصل، دانش‌آموز باید بتواند:
- ضرورت و اهمیت بازی را بیان کند.
- نکاتی را، که باید درباره‌ی بازی کودکان، والدین و مربیان رعایت کند، فهرست نماید.
- ارزش همه‌جانبه‌ی بازی کودکان را بیان کند.
- با توجه به ارزش بازی‌ها، برای هر یک بازی خاصی را ارائه دهد.
- عوامل بیرونی و درونی مؤثر در بازی کودکان را توضیح دهد.
- نقش والدین را در ارتباط با بازی کودکان، بیان کند.
- ویژگی‌های یک اسباب بازی مفید را توضیح دهد.
- نکاتی را درباره‌ی ایمنی وسایل بازی فهرست کند.
- چند نمونه از اسباب بازی کودکان را بسازد.
- چند نمونه بازی سنتی را بازنویسی کند و ارزش آن‌ها را توضیح دهد.

مقدمه

همه‌ی شما بی‌شک کودکان را در حال بازی دیده‌اید و چه بسا دیدن آن‌ها خاطره‌ی کودکی‌تان را زنده کرده است و گاه دوست دارید به‌سان کودک پنج‌ساله از سرسره سر بخورید و یا با تاب بالا و پایین بروید و یا حتی آب بازی کنید. در واقع همه دوست داریم «بازی» کنیم و «بازی» واژه‌ی آشنایی است که آن را بسیار شنیده‌ایم و به کار برده‌ایم، اما کم‌تر به اهمیت والای آن توجه کرده‌ایم. حتی امروزه که برنامه‌های درسی بازی محور، جایگاه قابل توجهی در امر آموزش کودکان یافته، هنوز بازی، جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده است. بازی کودکان از بدو تولد آغاز می‌شود و در مراحل رشد، بازی و زندگی کودک چنان درهم تنیده می‌شوند که تفکیک

آن‌ها دشوار و حتی غیرممکن است. زیرا فعالیت‌های طبیعی کودکان به هنگام بازی متجلی می‌شود. کودکان نیازها و احساسات خود را در بازی‌ها بروز می‌دهند. آن‌ها در جریان بازی هدف‌ها را جست‌وجو می‌کنند؛ اطلاعات را کسب می‌کنند و برای فعالیت‌های اجتماعی مهارت کامل را به دست می‌آورند. بنابراین، هرچه محیط غنی‌تر باشد و هرچه شناخت در مورد بازی کودکان بیش‌تر باشد «بازی کودکان» معنای کامل‌تری می‌یابد و ارزش و اهمیت آن بارزتر می‌شود.

ضرورت و اهمیت بازی

بازی، که اغلب با فعالیت بدنی همراه است، با رشد و تربیت اندام بچه‌ها، مهارت‌های جنبشی مناسب و آمادگی بدنی آن‌ها ارتباط نزدیک دارد. کودکان با فعالیت‌های جسمانی به مهارت‌های حرکتی می‌رسند. در نتیجه آن‌ها را قادر می‌سازد تا از نظر جسمانی، اطمینان‌ایمنی و اتکاء به نفس پیدا کنند. از طرف دیگر، بازی در سطوح مختلف رشد و وظایف متعددی را بر عهده می‌گیرد. به‌طور مثال، کودکان نیاز به اجتماعی شدن دارند و بازی فرصت مناسبی به آن‌ها می‌دهد تا رفتارشان را با دیگران هماهنگ کنند و چیزی را که شاید با دیده‌ی آن‌ها متفاوت است بپذیرند. شواهد بسیاری دال بر وجود رابطه‌ی بین بازی و رشد شناختی نیز، وجود دارد. افزایش مهارت در برنامه‌ریزی، توانایی حل مسئله، آفرینندگی، دست یافتن به دوراندیشی، رشد زبان، همه و همه در بازی کودکان متجلی می‌شود. برای بی‌بردن به ارزش و اهمیت بازی، باید، بازی کودکان و نحوه‌ی اجرای آن را بشناسیم و هرگز بازی کردن کودک را بیهوده تلقی نکنیم. زمان بازی، زمان به دست آوردن دانش و تجربه است.

نوزادان و کودکان نوپا، با فعالیت‌های بازی‌گونه‌ای که اجرا می‌کنند، مهارت جنبشی‌شان را تقویت می‌کنند و بازی‌های ساده و تکراری آن‌ها به کشف توانمندی و شناخت محیط منجر می‌شود. نوزادی با آویز بالای تختش بازی می‌کند و یا جفجغه‌ای را به دهان می‌برد و «بازی» می‌کند. در مراحل بعدی همین کودک نوپا، در کنار بزرگترها و یا هم‌سالانش بازی می‌کند. او برای برقراری ارتباط با دیگران تلاش می‌کند اما از بودن در کنار آن‌ها لذت می‌برد. در سنین بالاتر، همین کودک در بازی دیگران شرکت می‌کند؛ اسباب‌بازی‌هایش را به دیگران می‌دهد، اما برای ایجاد قوانین و محدودیت در بازی تلاش نمی‌کند. او می‌سازد؛ خراب می‌کند؛ از شیئی به جای شیئی دیگر استفاده می‌کند و توانایی بازسازی و دگرگونی را دارد. با افزایش سن کودکان، «قوانین» وارد بازی می‌شوند. در این مرحله، علاوه بر رشد مهارت‌های حرکتی، مهارت‌های اجتماعی کودک نیز افزایش می‌یابد. او با کودکان دیگر رقابت می‌کند؛ مسابقه می‌دهد، رمز و راز و پیام‌های مخفی بازی را درک می‌کند و توانایی اختراع را دارد. هرچه کودکان بزرگ‌تر می‌شوند، بازی آن‌ها پیچیده‌تر می‌شود و از حالت خودجوش خارج می‌گردد و قانونمند می‌شود و به صورت فعالیت‌های ورزشی درمی‌آید. نوجوان به عنوان عضوی از گروه، در ورزش مورد علاقه‌ی خود شرکت می‌کند. در این راستا والدین و کسانی که با کودک سروکار دارند می‌توانند در غنی‌سازی محیط و تهیه‌ی امکانات نقش مؤثری را ایفا نمایند و راه را برای این‌گذر مهیا سازند.

مواردی که والدین باید درباره‌ی بازی کودکان رعایت کنند

- بازی کودکان را جدی بگیرید و زمینه‌ی ادامه و بسط بازی کودکان را فراهم آورید.
- برای کودکان، باتوجه به سن و ویژگی‌های رشدشان، اسباب بازی بخرید و در خرید اسباب بازی به ایمنی، سن، تنوع و کاربرد آن توجه کنید.
- مکان مشخصی را به بازی کودکان اختصاص دهید و جای خاصی را برای انبار کردن وسایل بازی در نظر بگیرید.

● از ابتدا به کودک بیاموزید که وسایل بازی خود را پس از بازی جمع کند و هر وسیله را در جای مخصوص خود قرار دهید. اسباب بازی‌های ریز را در ظروف دردار بگذارید تا قطعات آن گم نشود.

● با کودکان بازی کنید و گاهی در حکم هم‌بازی، وارد بازی‌شان شوید و گاه به صورت طراح بازی، زمینه‌ی بازی را برای آن‌ها فراهم سازید.

● به بازی کودکان چه زمانی که انفرادی بازی می‌کنند و یا با هم‌بازی‌های خود مشغول بازی هستند توجه نمایید.
● به هنگام بازی در پارک‌ها بزرگترها حتماً باید نظارت داشته باشند و فضای بازی نباید محل عبور و مرور ماشین و موتور باشد.

- در انتخاب اسباب‌بازی‌های بزرگ (تاب و سرسره) به سن کودکان توجه کنید.
- در طی بازی، احترام به خود و دیگران و نیز رعایت قوانین را به کودکان گوشزد کنید.

مواردی که مربیان باید درباره‌ی بازی کودکان رعایت نمایند

– بچه‌ها باید برای بازی آزادی عمل داشته باشند (با رعایت محدودیت‌ها) تا بتوانند در طی بازی ابتکارات خود را به نمایش بگذارند. کودکان کم‌سال بازی‌شان می‌تواند حدود ۲۰ دقیقه باشد در حالی که کودکان بزرگ‌تر به ۳۰ تا ۵۰ دقیقه زمان نیاز دارند.

- چنان‌چه تعداد کودکان بیش‌تر شود، زمان بازی می‌تواند افزایش یابد.
- هرگز کودکان را با یکدیگر مقایسه نکنید و توانایی هر کس را با خود او بسنجید.
- در فعالیت‌های گوناگون، توانایی‌ها و نقاط قوت هر یک را مشخص کنید.
- هرگز در بازی‌های آزاد کودکان (عروسک‌بازی، ماشین‌بازی ...) دخالت نکنید.
- اتاق بازی نباید شلوغ و درهم باشد. وسایل باید در جای خودشان قرار داشته باشند.
- از کودکان بخواهید بعد از هر بازی، وسایل را در جای خود قرار دهند.
- وسایل بازی را بعد از یک تا دو هفته تغییر دهید.
- وسایل بازی باید سالم و تمیز باشند. وسایل شکسته و خراب را کنار بگذارید. وسایلی که باید تحت نظر بزرگ‌ترها بازی شوند از دسترس کودکان دور کنید.

- در مورد ایمنی و نظافت فضای بازی دقت نمایید.
- در یک جلسه اسباب‌بازی‌های خطرناک را به کودکان نشان دهید و در مورد خطرات آن بحث کنید.
- متانت، صبر و بردباری و خلاقیت و قوه‌ی ابتکار از خصایص بارز یک مربی است.
- فعالیت‌های گروهی را ارج بگذارید و کودکان را به احترام گذاشتن به یکدیگر تشویق کنید.
- در بازی‌های کودکان از بازی‌های سنتی استفاده کنید.

ارزش بازی

تردیدی نیست که بازی یکی از فعالیت‌های اساسی کودکان است و کودکان از طریق آن، دنیای اطرافشان را می‌شناسند و آن را تجربه می‌کنند. کودکان در حین بازی می‌توانند به نتیجه‌ی رفتار خود پی‌برند و دیدگاه‌ها و احساساتشان را بیان کنند. کودکان در بازی فرصت می‌یابند از طریق خیال‌پردازی، آرزوهایشان را به واقعیت نزدیک کنند و در عین حال بر نگرانی‌ها و اضطراب خود فائق

آیند و بالأخره، کودکان در حین بازی می‌توانند به توانایی‌های جسمانی خود بی‌برند و در تقویت و ایجاد مهارت کوشش نمایند. از این‌رو ارزش بازی در ابعاد گوناگونی چون ارزش جسمانی، ارزش عاطفی، شناختی و اخلاقی و ... قابل توجه است. در این مبحث، به پاره‌ای از ارزش‌های بازی اشاره می‌کنیم.

ارزش جسمانی بازی:

فعالیت‌های کودک، از بدو تولد (دست و پا زدن، چنگ زدن و گرفتن)، هر چند با اهداف مختلفی صورت می‌گیرد، اما لذت بخش بودن این فعالیت‌های بازی گونه، هدف برتر است. این لذت در کودک رضایتی ایجاد می‌کند که انگیزه‌ی حرکت و یا فعالیت بعدی او می‌شود. بازی‌های دوره کودکی مثل دویدن، پریدن، خم شدن، سُر خوردن، بالا رفتن و ...، هماهنگی حرکات بدن را بیش‌تر می‌کنند و موجب می‌شوند تا بافت‌ها و دستگاه‌های مختلف بدن بهتر فعالیت نمایند. هنگام اجرای بازی‌های جسمانی، جریان خون آزادتر و دفع مواد زاید آسان‌تر و بیش‌تر می‌شود. از طرف دیگر، فعالیت‌های جسمانی، تغذیه‌ی عضلات را ممکن می‌سازد و هر عضله‌ای که بیش‌تر فعالیت کند، مواد غذایی را بهتر جذب می‌کند و سلول‌های عضلانی آن بخش، حجیم‌تر و بزرگ‌تر می‌شود. بنابراین، بازی در دوران کودکی از نظر جسمانی برای کودک ارزش بسیاری دارد و افزایش قدرت بدنی، هماهنگی و تعادل بین اندام‌ها، ظرافت حرکات، افزایش استقامت و مقاومت بدن، کودک را در مقابل بیماری‌ها و خطرات محیطی محفوظ می‌دارد. علاقه‌مندی و میزان توجه و همراهی والدین و مربیان کودک نسبت به بازی‌های حرکتی و جسمانی می‌تواند در پی‌گیری و ایجاد عادت در سنین بالاتر از فعالیت‌هایی چون ورزش قابل توجه باشد. در برنامه‌ریزی تجارب حرکتی برای کودکان کم‌سال، باید به ویژگی‌های رشدی هر گروه سنی توجه شود. زیرا این ویژگی‌ها، حجم و اندازه‌ی گروه کودکان و تجهیزات مورد نیاز را مشخص می‌کند. به طور مثال، یک مربی بهتر می‌تواند یک گروه ۷ نفره‌ی کودکان ۳ ساله را در یک تمرین جسمانی (به صف شدن و پریدن) اداره کند. حال آن‌که آموزش همین سن از کودکان در گروه‌های ۱۵ نفره دشوارتر است. یا یک کودک ۴ تا ۵ ساله می‌تواند از پله‌ای به ارتفاع ۲۰ سانتی‌متر بالا برود و حداکثر ۳۰ سانتی‌متر بپرد. حال اگر در فضا سازی و تجهیزات، این مسئله رعایت نشود و ارتفاع بین پله‌های سرسره‌ی کودکان بیش‌تر باشد، طبیعی است که این تغییر، مانع حرکت و لذت او می‌شود. تجهیزات بازی‌های جسمانی، که معمولاً در فضای باز مورد استفاده قرار می‌گیرد، باید متنوع، زیبا، مقاوم و بی‌خطر باشد. این تجهیزات معمولاً در محوطه‌ای قرار دارند. این محوطه باید به گونه‌ای طراحی شود که به کودک اجازه‌ی تاب خوردن، سُریدن و پریدن را بدهد و برای گروه‌های سنی مختلف، قابل استفاده باشد. بازی‌های جسمانی که به صورت انفرادی یا گروهی اجرا می‌شود، بسیار متنوع است و بسیاری از آن‌ها مستلزم استفاده از مجموعه‌ای از حرکات ماست.

● فعالیت

در زیر، چند فعالیت برای حرکات جسمانی ارائه شده است.

۱- نام بازی: من می‌گویم شما اجرا کنید.

وسيله‌ی بازی: ندارد

محل بازی: ترجیحاً فضای باز

تعداد بازی‌کنان: با توجه به سن کودکان

هدف بازی: ایجاد تحرک و نشاط، استفاده از اعضای بدن، شناخت اعضای بدن و تطابق بین شنیده‌ها و عمل

روش بازی:

— از کودکان بخواهید که روبه روی شما بایستند: سپس با اعلام یک فعل (دویدن، پریدن، دست زدن، خندیدن، راه رفتن) از آن‌ها بخواهید که حرکت را اجرا کنند.

در مراحل بعد، بازی را با سؤال آغاز کنید. «با چه راه می‌رویم؟»، «با چه دست می‌زنیم؟»، «با چه می‌بینیم؟»...

۲— نام بازی: اگر خرگوش بودم.

وسایله‌ی بازی: ندارد

محل بازی: ترجیحاً فضای باز

تعداد بازی‌کنان: دو نفر یا بیش‌تر

هدف بازی: ایجاد تحرک و نشاط، تمرین تعادل و افزایش توانایی جسمانی، شناخت حرکات.

روش بازی: دو خط فرضی برای شروع و پایان در نظر بگیرید. سپس کودکان را پشت خط شروع قرار دهید. آن‌ها باید مثل

خرگوش روی دویا چمباتمه بزنند. سپس مربی با علامتی، آغاز بازی را اعلام می‌کند و کودکان باید مثل خرگوش، با جهیدن، مسیر را طی کنند.

این تمرین را می‌توانید با حرکات سایر حیوانات نیز تمرین کنید (قورباغه، مار، اردک، ...) (شکل ۱-۲).



شکل ۱-۲

نکات قابل توجه:

— از این قبیل بازی‌ها، می‌توانید برای ایجاد ثبات، تعادل، بالانس، پرش و ... استفاده نمایید و به مرور، فعالیت‌ها را سخت‌تر

و پیچیده‌تر کنید.

— از کودکان بخواهید تا، با ضربه‌های طبل یا دو قطعه چوب، راه بروند. با تند و کند کردن ضرب آهنگ‌ها به آن‌ها بیاموزید

که متناسب با آن‌چه می‌شنوند راه بروند.

— یک خط مستقیم روی زمین بکشید و یا در کلاس با نوار چسب پهن، خطی روی موکت ایجاد کنید و از کودکان بخواهید

روی آن راه بروند.

— از کودکان بخواهید وانمود کنند حیوانی هستند و به‌سان آن حیوان حرکت کنند.

— از کودکان بخواهید تا سرودها را همراه با حرکات بدنی اجرا کنند.

ارزش اجتماعی بازی

کودکان از همان ابتدای تولد، نسبت به محیط اطرافشان حساسیت نشان می‌دهند. در واقع محیط زندگی به مثابه‌ی اجتماع کوچکی است که کودک با قوانین گوناگون آن آشنا می‌شود و با افراد مختلف تماس پیدا می‌کند. به قول آدلر «بازی بیش از هر چیز یک تمرین اشتراکی است و کودک در طی این تمرین‌ها فرصت می‌یابد احساسات اجتماعی خود را ارضا کند»^۱. مدرسه بازی، دزد و پلیس، دکتر بازی، آمادگی او را برای شناخت مشاغل اجتماعی بالا می‌برد و حدود اختیارات آن‌ها را بارز می‌کند. بازی به کودک فرصت می‌دهد که تنها به خود نیندیشد و به اطرافیان نیز توجه کند و آن‌ها را به حساب آورد و از حالت «خودمحوری»^۲ بیرون آید. کودک از طریق بازی‌ها به ارزش دیگران پی می‌برد و یاد می‌گیرد برای رسیدن به هدف، چگونه نقشه بکشد و چگونه با تلاش، موانع و مشکلات را رفع کند.

قوانین بازی کودکان خردسال، بسیار ساده است اما به تدریج با افزایش سن آن‌ها، مقررات بازی‌ها افزایش می‌یابد و تکنیک و اخلاق که هر دو جنبه‌ی اجتماعی دارند، توأمآ وارد بازی می‌شوند. کودک باید بیاموزد که چگونه بازی کند و چگونه قوانین را رعایت نماید. قراردادهای بازی مانند دیگر ارزش‌های اجتماعی واقعی است و عدم رعایت آن مجازات دارد (جریمه شدن یا خارج شدن از بازی). بنابراین، کودکان به خصوص در بازی‌های گروهی با مفاهیمی چون توجه به مقررات، رعایت حقوق دیگران، سخت‌گیری، همدردی و همدلی آشنا می‌شوند. هر زمان که «کودک چیزی درباره‌ی جهان خارج و روابط آن کشف می‌کند، به موازاتش، چیزی در مورد خودش نیز درمی‌یابد»^۳.

علاوه بر این کودکان با همانندسازی با سایر کودکان و یا برقرار کردن ارتباط با آن‌ها، به عنوان هم‌بازی، مؤثرترین گام را برای اجتماعی شدن برمی‌دارند. زیرا در طی بازی‌ها، با هم‌بازی خود، احساس همدلی، همدردی و اشتراک دارد. چیزی که لازمه‌ی یک زندگی اجتماعی و «سازنده‌ی انسان اجتماعی است»^۴.

● فعالیت

در زیر نمونه‌ای از بازی‌هایی که مفاهیم اجتماعی را تمرین می‌دهد، آمده است:

۱- نام بازی: انداختن توپ در سبد

وسيله بازی: یک عدد توپ و یک سبد

محل بازی: فضای باز و یا بسته

تعداد بازی‌کنان: دو نفر یا بیش‌تر

هدف بازی: تقویت دست‌ها، تطابق چشم و دست، ایجاد تحرک و نشاط و رعایت نوبت و مقررات

روش بازی: سبد را در جای مناسبی قرار دهید و کودکان را به‌صفت منظم کنید. در این مرحله، باید مربی توپ را به‌سمت

یک‌یک بچه‌ها پرتاب کند. کودک پس از گرفتن توپ، باید آن را درون سبد بیندازد. کودکانی که از عهده‌ی این کار برنمی‌آیند دوباره

به آخر صف باز می‌گردند تا مجدداً فرصت تکرار داشته باشند و کودکان دیگر از بازی خارج می‌شوند.

۲- نام بازی: ماهی گیر و ماهی

وسيله بازی: ندارد

۱- منبع شماره ۱۱ ص ۷۷

۲- Egocentric

۳- منبع شماره ۱۱ ص ۷۹

۴- منبع شماره ۲ ص ۲۳۳

فضای بازی: فضای باز

تعداد بازی‌کنان: با توجه به گروه‌های سنی حداقل ۵ نفر

هدف بازی: تحرک و نشاط، دقت و سرعت، تعاون و اشتراک و ارج گذاشتن به گروه و باهم بودن.

روش بازی: در این بازی یکی از کودکان ماهی‌گیر می‌شود و بقیه ماهی کوچک. ماهی‌های کوچک در فضای باز شروع به حرکت می‌کنند و ماهی‌گیر به دنبال گرفتن آن‌هاست. چنان‌چه ماهی‌گیر، کودکی را که ماهی است بگیرد، آن‌ها دو ماهی‌گیر می‌شوند که با گرفتن دست‌های هم، تور بزرگ‌تری برای ماهی‌های دیگر فراهم می‌کنند. سپس، آن‌ها به دنبال سایر ماهی‌ها می‌دوند و به همین ترتیب با گرفتن ماهی‌بیش‌تر، تور ماهی‌گیر بیش‌تر گسترش می‌یابد و ماهی‌ها آسان‌تر گرفته می‌شوند.

ارزش روانی بازی

حتماً بارها و بارها دیده‌اید که کودکی ضمن بازی با عروسک خود، آن را می‌نوازد و یا برعکس آن را می‌زند و به گوشه‌ای پرتاب می‌کند. کودکان در بیان احساسات خود بسیار صادق و صریح‌اند و چه بسا قاطعانه به شما می‌گویند که دوستتان دارند و یا علاقه‌ای به شما ندارند. کودک در بازی نیز به آسانی احساسات و ایده‌های خود را بیان می‌کند. در واقع، بازی به کودک فرصت می‌دهد تا امیال و گرایش‌های خود را مطرح و بر آن‌ها غلبه کند. به عبارت دیگر بین عواطف و امیال متضادش تعادل ایجاد کند. پیازه این کار را «بازی جبرانی»^۱ می‌نامد. بازی‌ای که کودک از طریق آن قادر می‌شود تا عمل ناخوشایندی را از ذهن خود پاک کند، یا به عبارت دیگر، آن حالت ناخوشایند را تعدیل نماید. به‌طور مثال، کودک از تولد فرزند جدید خانواده خوشحال نیست. زیرا نوزاد محور توجه والدین شده است. بنابراین، با زدن عروسک ناخشنودی‌اش را نشان می‌دهد و جالب این‌که بعد خودش نیز گریه می‌کند. تقریباً در کلیه‌ی



شکل ۲-۲

بازی‌های کودکان «ارزش درمانی» نهفته است. مثلاً در بازی‌های نقش، کودک با ظاهر شدن در نقش قهرمانان موردعلاقه‌ی خود، و یا زدن سگ و یا گربه‌ی پارچه‌ای یا پلاستیکی و یا در آغوش گرفتن آن‌ها، بر ترس خود از سگ و گربه‌ی واقعی غلبه می‌کند. متخصصان بازی درمانی، با استفاده از فضای بازی کودکان، ضمن مشاهده‌ی رفتار آن‌ها، به تعبیر و یا تفسیر بازی‌های کودکان می‌پردازند. زیرا کودک به‌علت محدودیت خزانه‌ی لغات و ترس از بزرگ‌سال، نمی‌تواند احساساتش را به راحتی بیان نماید و بازی فرصت «خود بودن» را به او می‌دهد. بازی‌هایی مانند عروسک‌بازی، خانه بازی، ماشین بازی، نمایش‌های عروسکی و ساختن ماسک بر اساس قصه شنیده شده، می‌توانند بسیار مفید باشند (شکل ۲-۲).

ارزش اخلاقی بازی

در کلیه‌ی بازی‌های کودکان می‌توان ردپای اخلاق و ارزش‌های اخلاقی را مشاهده کرد. کودک در طی بازی‌ها با بسیاری از مفاهیم، از جمله خوب و بد، حق و ناحق، راست و غلط آشنا می‌شود، یا برخورد پیدا می‌کند. این مفاهیم در زندگی واقعی معنای عمیق‌تری دارند، اما در بازی‌ها، در محدوده‌ای کوچک‌تر و ساده‌تر بارها و بارها می‌توانند حضور داشته باشند و در رفتار او تأثیر بگذارند. بازی‌ها مضامین اخلاقی گوناگونی دارند. مثلاً بازی «عموزنجیرباف» و یا «گرگم و گله می‌برم» به پرورش مناسبات دوستانه، اتحاد و یگانگی و همکاری بین بازی‌کنان کمک می‌کند و کودک در حین بازی به معنای مفاهیمی چون دوستی، مشارکت، مهربانی

بی‌می‌برد و یا در یک بازی نمایشی، نقش قهرمانی را به عهده می‌گیرد و سعی می‌کند کردارش شبیه آن قهرمان باشد و چنان‌چه آن قهرمان خوب باشد کمک کردن و نجات دادن از جمله رفتارهایی است که او آن‌ها را تکرار و تقلید می‌کند. این تکرارها به مرور زمان، به‌صورت عادت درمی‌آید و رفتار او را شکل می‌دهد و جزئی از شخصیت او می‌شوند. به همین دلیل، نقش تلویزیون برای الگوبرداری بسیار مهم است. علاوه بر این، کودک ضمن بازی یاد می‌گیرد که از وسایل بازی خود نگهداری کند و یا آن را به دوستان خود بدهد.

● فعالیت

در زیر چند بازی برای تمرین مفاهیم اخلاقی آمده است :

۱- نام بازی: یک کار خوب یک کار بد.

وسایله‌ی بازی: ندارد

محل بازی: فضای باز و یا بسته

تعداد بازی‌کنان: گروه‌های کوچک حداقل ۵ نفر

هدف: تحرک و نشاط، زبان‌آموزی و آشنایی با مفاهیم خوب و یا بد

روش بازی:

- بچه‌ها به‌صورت دایره می‌ایستند.

- مربی از آن‌ها می‌خواهد که خوب به حرف‌های او گوش دهند و چنان‌چه جمله‌ای که مربی می‌گوید خوب باشد بچه‌ها «با

دست زدن» و چنان‌چه کار بدی باشد با «کوبیدن پا»، آن را تأیید و یا به آن اعتراض کنند.

«من هر روز صبح مسواک می‌زنم». «علی دوست ندارد مویش را شانه بزند»، «ما دوست نداریم دست‌هایمان را بشوییم».

«مریم عروسکش را به دوستش نمی‌دهد».

- می‌توانید از بچه‌ها بخواهید که آن‌ها جملات بعدی را بگویند.

- می‌توانید فعالیت کودکان را تنوع ببخشید. به‌طور مثال اگر مسواک نمی‌زدیم (کاربد) چه می‌شد؟

۲- نام بازی: گرگ ناقلا

وسایله‌ی بازی: ندارد

محل بازی: فضای باز

تعداد کودکان: حداقل ۵ نفر

هدف بازی: تحرک و نشاط، آشنایی با مفهوم ارزش دیگران و اتحاد و دوستی

روش بازی: کودکی را به‌عنوان گرگ انتخاب کنید و کودکان دیگر را در حکم گوسفندان نام‌گذاری نمایید. در گروه

گوسفندان، یکی از کودکان به‌عنوان سردسته یا مادر انتخاب می‌شود که باید از دیگر کودکان در مقابل گرگ دفاع کند (شبیه‌بازی

گرگ و گله می‌برم). با شروع بازی، گرگ سعی در گرفتن گوسفندان دارد و سردسته با حمایت از آن‌ها مانع می‌شود. کودکی که از

سوی گرگ گرفته می‌شود سعی می‌کند به گروه برگردد و چنان‌چه توانست دستش را در دست سردسته قرار دهد، دوباره به گروه خود

برمی‌گردد و گرگ از بازی خارج می‌شود، سپس فرد دیگری نقش گرگ را به عهده می‌گیرد.

ارزش‌شناختی بازی

فضای بازی، اسباب بازی‌ها و هم‌بازی‌ها، هریک به‌نحوی توجه کودک را نسبت به محیط اطراف افزایش می‌دهند. در واقع،

درک کودک از محیط اطرافش شامل ادراکات و اشیائی است که با آن‌ها تجربه‌ی مستقیم دارد. «واکس»^۱ دریافت که نه تنها تنوع و تعدد اسباب بازی‌ها، بلکه آزادی کودکان در کندوکاو بصری و جسمانی در محیط، رشد شناختی آن‌ها را تضمین می‌کند.^۲ کودک، در ارتباط با محیط اطرافش، ابتدا تنها کارهایی را که به طور تصادفی کشف شده‌اند تکرار می‌کند. مثلاً پایش به جفجغه برخورد می‌کند و آن را به صدا درمی‌آورد. سپس او از طریق آزمایش و خطا و جست‌وجو، آن کار را ادامه می‌دهد تا به صورت یک برنامه‌ی هماهنگ عمل کند و جفجغه دوباره به صدا درآید. واکنش نسبت به اشیای جدید و ناشناخته، از کودکی آغاز می‌شود. کودک نه ماهه شیئی را می‌گیرد و به دهان می‌برد. او در این دوره، از طریق حس چشایی خود کاوش می‌کند و در ۱۲ ماهگی از طریق حواس لامسه، بینایی و شنوایی جست‌وجوی خود را برای رسیدن به هدف مطلوب ادامه می‌دهد. در ۱۵ ماهگی قبل از کنکاش لمسی با چشم شیئی را بررسی می‌کند و سعی می‌کند تا حرکت جسم متحرک را پیش‌بینی نماید و سپس لامسه به مدد او می‌آید و او را قادر می‌سازد تا حرکت را ادامه دهد. معمولاً کودکان در حدود ۲ سالگی از طریق عمل و عکس‌العمل به روابط علت و معلولی پی می‌برند و متوجه می‌شوند که چنانچه ماشین را حرکت دهند چراغش روشن می‌شود. در واقع، کودک در ارتباطش با اشیای جدید چهار مرحله را طی می‌کند، که هر یک به نوبه‌ی خود پایه و اساس شناخت را فراهم می‌سازند: جست‌وجو، دستکاری، تمرین و تکرار. سه فعالیت اول، بیش‌تر حالت تجربه‌آموزی دارد و بازی از زمانی شروع می‌شود که کودک برای کسب لذت، آن فعالیت را اجرا کند.

درک و شناخت کودک از جهان، پر از تعارض و تناقض است و تا زمانی که کودک به تعادل نرسد نمی‌تواند برداشت درستی از جهان پیرامونش داشته باشد و این ممکن نیست مگر در لابه‌لای بازی، که همان زندگی کودک است. زیرا از طریق بازی و در بازی‌ها یاد می‌گیرد که از ابزار و اشیا در جای خود استفاده کند. مثلاً تا دیروز جفجغه را به دهان می‌برد اما از طریق بازی و کسب تجربه یاد می‌گیرد که جفجغه برای تکان دادن و تولید صداست نه برای به دهان بردن و هم‌چنین، مداد برای نوشتن و کتاب برای خواندن. به همین ترتیب شناسایی او از جهان پیرامونش نیز در بازی‌ها متجلی می‌شود. او در طی بازی یاد می‌گیرد که چرخ، قسمتی از ماشین است و یا کلاه مال عروسک است و بالأخره فنجان و نعلبکی باید کنارهم قرار گیرد. در واقع کودک اشیا را، همان‌گونه که باهم مورد استفاده قرار می‌گیرند، در کنار هم شناسایی می‌کند. هم‌چنین او یاد می‌گیرد که در بازی‌هایش، علاوه بر اجرای مرتب یک فعالیت (مثلاً برای غذا پختن باید دیگ را روی گاز اسباب‌بازی خود قرار دهد و درونش مواد بریزد و زیرش را روشن کند). در صورتی که شیء مورد نظر را در اختیار نداشته باشد وانمود کند و یا از اشیای دیگری به‌عنوان جانشین استفاده کند (کاغذ را ریز کند و به جای برنج در دیگ بریزد). به همین ترتیب، از طریق بازی‌هایی چون شن و آب‌بازی، مفاهیم، اندازه، حجم، شکل، وزن، مراقبت و نگاه‌داری را می‌آموزد و یا با پرتاب کردن توپ، درباره‌ی وزن و جاذبه‌ی زمین مسائلی تجربه کند. تلفیق یادگیری فعال با بازی‌های خودجوش و خلاق در یادگیری کودکان نقش به‌سزایی دارد و باعث تحول از مرحله‌ی ادراک به مرحله‌ی فکر و بینش می‌شود.

● فعالیت

۱- نام بازی: میکروفون سحرآمیز

وسیله‌ی بازی: ندارد

محل بازی: فضای باز و یا بسته

تعداد بازی‌کنان: نامحدود

هدف بازی: شادی و نشاط، توانایی وانمود کردن، توسعه‌ی تخیلات، زبان‌آموزی و بیان احساسات

روش بازی: به کودکان فرصت می‌دهیم تا تصور کنند که میکروفون سحرآمیزی در دستشان است و می‌توانند هرچه را می‌خواهند بگویند و یا سؤال کنند. اما در این بازی یک قانون وجود دارد و آن این‌که، هر وقت میکروفون به دستشان رسید باید صحبت کنند. مربی مدادی را در دست می‌گیرد و وانمود می‌کند که آن میکروفون است و جمله‌ای را می‌گوید. سپس میکروفون را به کودک دیگری می‌دهد تا او بازی را ادامه دهد. چنان‌چه کودکی نخواست صحبت کند، میکروفون را به نفر بعدی می‌دهد. کودکان در این بازی به راحتی احساسات خود را بیان می‌کنند و بازی مناسبی برای شناخت کودکان است.

۲- نام بازی: من چیستم؟

وسایله‌ی بازی: اشیای مختلفی چون توپ، شانه، مکعب چوبی، پر، سنگ و یک کیسه پارچه‌ای.

محل بازی: فضای بسته

تعداد بازی‌کنان: حداکثر ۱۰ نفر

هدف بازی: نشاط و شادی، تمرکز، شناخت از طریق لمس و تطابق آن با مفاهیم ذهنی، تشخیص و زبان‌آموزی

روش بازی:

– بچه‌ها باید به صورت دایره بنشینند.

– اشیاء را بدون آن‌که کودکان آن‌ها را ببینند درون کیسه بریزید.

– ابتدا خود شما با لمس کردن یکی از اشیای داخل کیسه، قبل از بیرون آوردن آن از کیسه، نامش را بگویید و سپس از کیسه بیرون بیاورید.

– آن‌گاه کیسه را به یک‌یک کودکان بدهید تا آن‌ها نیز، همین عمل را، تکرار کنند.

نکات قابل توجه

– می‌توانید محتوای کیسه را بعد از چند بار تعویض کنید.

– می‌توانید در گروه‌های سنی پایین‌تر، اشیای مشابهی را روی میز قرار دهید تا کودک آن‌ها را با درون کیسه مطابقت دهد.

– می‌توانید از کودکان بخواهید که برای بازی‌های بعدی، خودشان شیئی را درون کیسه قرار دهند.

عوامل مؤثر در بازی

فعالیت‌های طبیعی کودکان در بازی متجلی می‌شود و از آن‌جا که کودکان هنوز از استدلال و منطق برخوردار نیستند، نمی‌توانند برداشت منطقی از جهان داشته باشند. بنابراین، آن‌ها در جریان بازی، هم‌چون کاوشگری، برای رسیدن به اهداف گوناگون تلاش می‌کنند و احساسات و اندیشه‌هایشان را در بازی به‌نمایش می‌گذارند. از طرف دیگر، بازی کودکان متأثر از مجموعه عواملی چون محیط، هم‌بازی‌ها، فضای بازی، اطرافیان و وسایل ارتباط جمعی و ... است، که هر یک به‌نحوی در روند بازی آن‌ها اثر می‌گذارد. این عوامل را می‌توان به دو گروه عوامل بیرونی (فضا، اسباب بازی، هم‌بازی، اطرافیان و وسایل ارتباط جمعی) و عوامل درونی (مثل هوش، جنس و سن) طبقه‌بندی کرد و مورد بررسی قرار داد.

الف – عوامل درونی

۱- **جنسیت و بازی:** جنسیت کودکان، از نظر نحوه‌ی بازی، انتخاب هم‌بازی و اسباب‌بازی قابل توجه است. کودکان بین

سنین ۱۸ ماهگی تا ۳ سالگی درباره‌ی هویت جنسی، شناختی دست‌کم ناقص کسب می‌کنند. آنان یاد می‌گیرند که خود و دیگران را

به عنوان زن و مرد طبقه بندی کنند.

در مورد الگویابی جنسیتی نظریه های متفاوتی ارائه شده است. بر طبق نظریه ی روان کاوان: کودکان الگویابی جنسیتی را از طریق فرایند همانند سازی با والدین، از ۴ یا ۵ سالگی آغاز می کنند. نظریه پردازان یادگیری اجتماعی معتقدند که رفتار الگویابی جنسیتی از طریق همان فرایندهایی آموخته می شود که دیگر رفتارها به واسطه ی آنها آموخته شده اند (یعنی از طریق شرطی شدن و مشاهده). در واقع بچه ها به سبب رفتارهای مختلف تنبیه می شوند یا پاداش می گیرند و به همین ترتیب، رفتاری را، که فرهنگشان از مردان و زنان انتظار دارد، می آموزند.

از نظر نوع بازی نیز بین دختران و پسران تفاوت هایی دیده می شود. بخشی از این تفاوت ها ناشی از فرهنگ جامعه است. بازی های مورد علاقه دختران عروسک بازی، خانه داری، کار دستی، بازی های کلامی و بازی های نمایشی است. آنها دوست دارند صحنه هایی از زندگی خانوادگی را به نمایش بگذارند و نقش مادران خود را ایفا کنند. در حالی که پسران بازی با مکعب های چوبی و بازی های تهاجمی خارج از خانه را ترجیح می دهند^۱.

آنها بازی را وسیله ای برای اثبات خود در برابر دیگران می دانند. از این رو، بازی های رقابتی و مسابقه ای را که از جنب و جوش بسیاری برخوردار است می پسندند. زیرا پدران از همان کودکی با فرزندان پسر خود بازی های قدرتی و زورآزمایی را اعمال می کنند. از طرف دیگر، چون پسران کم تر پدران خود را در حین کار می بینند، ترجیحاً نقش های مردانه ای را انتخاب می کنند که در تلویزیون دیده اند و طبیعی است که نقش های قدرتمند را به نقش های ضعیف ترجیح دهند.

۲- رابطه ی هوش و بازی: چنانچه هوش را توانایی یادگیری و انطباق با آنچه برای ادامه ی زندگی در اجتماعی که در آن زندگی می کنیم، بدانیم، بازی کودکان با هوش با کودکانی که از هوش طبیعی کم تری برخوردارند تفاوت دارد. این تفاوت از چشم انداز انتخاب اسباب بازی، هم بازی و نوع بازی، کاملاً مشهود است.

در تحقیقی، نحوه ی بازی ۶۴۳ کودک ۶ تا ۱۳ ساله با بهره ی هوشی ۱۴۰ را با ۹۰ اسباب بازی مثل (دوچرخه، اسکیت، توپ، شطرنج و بازی های فکری و...) با کودکانی که از هوش طبیعی برخوردار بودند و به عنوان گروه گواه انتخاب شده بودند، مقایسه کردند. نتایج تحقیق نشان داده است که کودکان باهوش، نسبت به گروه گواه، به بازی ها و فعالیت های فکری و آرام علاقه ی بیش تری دارند و به بازی های مسابقه ای و رقابتی رغبتی ندارند. در همین تحقیق، دو جنبه ی: اجتماعی بودن (میل و توجه به بازی های گروهی و رقابتی) و توجه به جنسیت هم بازی نیز، مورد بررسی قرار گرفت^۲ و نشان داد که هر چند کودکان باهوش در انتخاب هم بازی به جنسیت او توجهی ندارند، اما بیش تر ترجیح می دهند که به تنهایی بازی کنند، زیرا توانایی سرگرم کردن خود را دارند و به جای صرف وقت برای آموزش بازی به هم بازی، می توانند خودشان بسازند، خراب کنند و مجدداً بازسازی نمایند. به همین دلیل، اسباب بازی هایی نظیر خمیر، گل رس و وسایل ساختمان سازی، اسباب بازی مورد علاقه ی این کودکان است.

در حالی که کودکانی که از هوش کم تری برخوردارند بیش تر به اسباب بازی هایی علاقه دارند که با کم ترین صرف انرژی بیش ترین حرکت را تولید کند. مثل ماشینی که با یک دکمه به حرکت درمی آید و یا عروسکی که با فشار انگشت حرف بزند. این اسباب بازی ها را «اسباب بازی های جلب توجه کننده» می نامند و کودکان باهوش و حتی کودکان طبیعی، بسیار زود از آنها خسته می شوند و آنها را اوراق می کنند تا درون شان را مشاهده کنند و از چگونگی کارکردشان اطلاع یابند.

نکته ی قابل توجه دیگر، مدت بازی این کودکان با وسایل بازی است. در هر دو گروه (کودکان باهوش و کم هوش) مدت زمان

بازی با یک وسیله‌ی، کوتاه^۱، اما سببش متفاوت است. کودکان باهوش به منظور کنجکاوی و یادگیری سریع، از اسباب‌بازی زود خسته می‌شوند در حالی که کودکان کم‌هوش، به سبب بی‌توجهی به کارکرد اسباب‌بازی، تنوع طلب می‌شوند و اسباب‌بازی جدیدی را طلب می‌کنند.

۳- رابطه سن کودک و بازی: سن کودک، نه تنها بر علاقه‌مندی او به یک وسیله‌ی بازی خاص، بلکه در انتخاب هم‌بازی، مدت زمان بازی و بالأخره بر نحوه‌ی بازی او تأثیر دارد.

۳-۱ سن کودک و انتخاب اسباب‌بازی: کودک سه‌ماهه با شنیدن صدای جفجغه، نسبت به آن واکنش نشان می‌دهد. بنابراین، جفجغه در این سن برای او یک اسباب‌بازی مناسب است. همین کودک در ۴ ماهگی قالب‌باشک را دوست دارد و از یافتن چهره‌ی مادر خوش حال می‌شود. در مبحث اسباب‌بازی، در یک جدول، وسایل بازی کودکان متناسب با سنشان، برای مطالعه‌ی شما منظور شده است.

گفتنی است با افزایش سن کودکان، تمرکز آن‌ها در بازی افزایش می‌یابد و می‌توانند مدت بیش‌تری را صرف یک بازی و یا یک اسباب‌بازی نمایند. به‌طور مثال، کودک ۲ ساله حدود ۶ دقیقه و ۹ ثانیه با یک وسیله‌ی بازی می‌کند و پس از آن اسباب‌بازی خود را عوض می‌کند، در حالی که همین کودک در ۵ سالگی می‌تواند به مدت ۱۲ دقیقه و ۶ ثانیه با یک عروسک و یا ماشین بازی کند و پس از این مدت، اسباب‌بازی دیگری را جای‌گزین نماید. با افزایش سن کودک، تنوع طلبی در اسباب‌بازی کاسته و نوع بازی کودکان محدود می‌شود.

۳-۲ سن کودک و انتخاب هم‌بازی: انتخاب هم‌بازی نیز با سن کودک ارتباط دارد. کودک در فاصله‌ی بین ۹ تا ۱۳ ماهگی به اسباب‌بازی‌هایش توجه بسیار دارد. او در این دوره، به هم‌بازی‌هایش نیز، به‌عنوان یک اسباب‌بازی متحرک، می‌نگرد، به طوری که ضمن بازی، موی او را می‌کشد و گاهی نیز می‌خواهد انگشت خود را در چشم هم‌بازی‌اش فرو کند. از ۱۴ ماهگی به بعد، توجه کودک از اسباب‌بازی کاهش می‌یابد و به تدریج، به هم‌بازی معطوف می‌شود.

هم‌بازی در این سن برای او در حکم اسباب‌بازی نیست. بلکه هم‌بازی برای او به معنای «هم‌جواری» است، که می‌تواند کودک و یا بزرگ‌سال باشد. او از بودن در کنار آن‌ها لذت می‌برد اما دوست ندارد در وسایل بازی خود با کسی شریک شود و یا با او ارتباط کلامی برقرار کند.

به این نوع بازی کودکان بازی موازی^۲ می‌گویند. در بازی موازی، کودکان در کنار یکدیگر بازی می‌کنند، بدون آن‌که الزاماً ارتباطی با یکدیگر داشته باشند. آن‌ها از بودن در کنار دیگری لذت می‌برند اما جالب این‌جاست که وقتی یکی از آن‌ها بخواهد محل بازی را ترک کند، آن دیگری ناراحت می‌شود، اعتراض می‌کند. در مهد کودک‌ها و یا حتی در منزل، کودک در این سن مدام به دنبال مربی و یا مادر، از این سو، به آن سو می‌رود و یا چنان‌چه مشغول بازی با عروسک خود باشد به محض آن‌که او را ترک کنند گریه خواهد کرد.

در دومین سال زندگی، نشانه‌هایی از همدلی در کودکان به وجود می‌آید و کودک به دنبال «هم‌بازی واقعی» می‌گردد؛ کسی که با او بازی کند تا در اسباب‌بازی شریک شوند و باهم حرف بزنند. او از بازی کردن با هم‌بازی خود لذت می‌برد اما تعداد هم‌بازی‌ها باید محدود باشند و کودک نمی‌تواند در آن واحد با چند نفر ارتباط برقرار کند. به تدریج با افزایش سن کودک وابستگی او به هم‌سالان بیش‌تر می‌شود و تعداد دوستان هم‌بازی‌اش افزایش می‌یابد. در دوران دبستان، دایره‌ی دوستی‌ها گسترده‌تر می‌شود و

۱- منبع شماره ۱۱، ص ۲۲۲ (تحقیقات لُهمن و ویتی)

کودک، به‌عنوان هم‌بازی، عضو گروه می‌شود. هر گروه قراردادی دارد و پذیرفته شدن در گروه به مقتضای موقعیت صورت می‌گیرد و اعضای آن عوض می‌شوند. در دوره‌ی نوجوانی گروه‌های بازی منسجم‌ترند و پذیرفته شدن دو گروه، تابع شرایط سخت‌تری است.

ب — عوامل بیرونی

عوامل بیرونی نیز به‌سان عوامل درونی در بازی کودکان تأثیر به‌سزایی دارند. این عوامل عبارت‌اند از:

۱ — نقش اطرافیان در بازی‌های کودکان: والدین و اطرافیان کودک، در زمینه‌های گوناگونی در بازی کودکان تأثیرگذارند

و این مسئله از چند بعد قابل بررسی است.

روش‌های تربیتی والدین: روش‌هایی که والدین برای تربیت کودکان برمی‌گزینند، در شکل‌گیری نوع شخصیت آن‌ها مؤثر است و طبیعتاً در بازی کودکان نیز سهم دارد. به‌طور مثال، کودکانی که با روش‌های مستبدانه (بکن و نکن) پرورش می‌یابند به‌علت انضباط خشک و بدون چون و چرا، کودکانی ساکت و مطیع‌اند. این کودکان بازی‌هایشان بدون ابتکار عمل و فاقد کنجکاوی است و از قوه‌ی تخیل و خلاقیت کم‌تری برخوردارند. همچنین، به‌عنوان هم‌بازی، بیش‌تر تحت تسلط دیگران‌اند و هم‌بازی‌های خوبی نیستند. کودکانی که خانواده بر آن‌ها کنترلی ندارد و معیاری برای آن‌ها منظور نشده است. کودک یاد نگرفته که باید نسبت به دیگران گذشت داشته باشد و یا همکاری نماید. چنین کودکانی اغلب در بازی با دیگران، از قوانین سرپیچی می‌کنند و عقاید خود را بر دیگران تحمیل می‌نمایند. در نتیجه رفتارشان پرخاشگرانه است و در بازی‌های مهارتی جرئت و جسارت ندارند و همیشه، قانون‌شکنی را به مبارزه طلبی، ترجیح می‌دهند.



چنان‌چه خانواده با روش دمکراتیک فرزند خود را پرورش دهد، کودک می‌آموزد که حرف شنوی داشته باشد. او در برخورد با والدین یاد گرفته است که می‌توان از طریق بحث و گفت‌وگو و منطق، حرف‌های خود را زد و یا به حرف دیگران گوش کرد. این کودکان هم‌بازی‌های خوبی هستند، قوانین را می‌پذیرند و قدرت نوآوری و همکاری و همراهی را دارند. در نتیجه کودکان دوست دارند با آن‌ها بازی کنند.

نقش بزرگ‌ترها به‌عنوان هم‌بازی: اطرافیان

به‌طور مستقیم و غیرمستقیم می‌توانند در بازی کودکان شرکت کنند. آن‌ها گاهی به‌عنوان هم‌بازی می‌توانند وارد بازی کودک شوند و به‌سان یک هم‌بازی هم‌سن کودک، بازی را دنبال کنند (شکل ۲-۳).

مثلاً وانمود می‌کنند که مریض‌اند و از کودکی که در نقش دکتر ظاهر شده است، تقاضای درمان می‌کنند و یا از پلیس می‌خواهند که راه خانه را نشان دهد. در چنین حالتی بزرگ‌ترها می‌توانند، به همان

شکل ۲-۳

سادگی که وارد جریان بازی شده‌اند، بدون آن که لطمه‌ای به بازی بزنند از بازی خارج شوند. در دخالت مستقیم، هرگز نباید بزرگ‌ترها اداره‌ی بازی را برعهده بگیرند و روند بازی باید در اختیار کودک باشد^۱ (تراک و یک و اسمیت).

در روش دوم، والدین یا اطرافیان می‌توانند به‌عنوان هم‌بازی، کودک را فقط راهنمایی کنند. در این روش، بزرگ‌ترها بازی یا روش خاصی را معرفی می‌کنند. آن‌ها با طرح سؤالات، پیش‌نهادها و توضیحات خود، به کودک کمک می‌کنند تا بهتر بتواند نقش‌هایی را که می‌خواهد ایفا کنند و مثلاً در «دکتربازی» بزرگ‌تر از کودک سؤال می‌کند، دکتر چگونه مریض خود را معاینه می‌کند؟ یا آیا پرسیده‌ای که کجایش درد می‌کند؟ این‌گونه سؤالات می‌تواند به کودک کمک کند تا اطلاعاتی را کسب کند، یا با نقش‌ها و فعالیت‌های گوناگونی آشنا بشود و مدت بازی کودکان را افزایش دهد. طبیعی است که در چنین حالتی، ترک بازی باید با توافق و دوطرف باشد و یا بازی به‌گونه‌ای طراحی شود که کودک و یا کودکان بتوانند بازی را ادامه دهند.

— نقش اطرافیان در خرید وسایل بازی: والدین، با خرید بیش از حد وسایل بازی یا بی‌توجهی به خرید اسباب‌بازی و بالأخره خرید نادرست یا درست اسباب‌بازی، در بازی کودکان نقش دارند. خرید بیش از حد وسایل بازی، کودک را به یک مجموعه‌دار اسباب‌بازی تبدیل می‌کند و کودک بدون کنکاش اسباب‌بازی‌ها فقط نظاره‌گر می‌شود و مدام از یک وسیله به وسیله‌ی دیگر مراجعه می‌کند، بدون آن‌که کاربردهای متفاوت بازیچه‌های خود را شناسایی کند.

هم‌چنین، اگر پدر و مادری تمایلی به خرید وسایل بازی نداشته باشند یا به‌عبارت دیگر الزامی به تهیه وسایل بازی احساس نکنند، کودک هرگز از وسایل بازی خود چیزی نمی‌آموزد. گاه، والدین در خرید وسایل بازی، سلیقه‌های شخصی‌شان را، بدون توجه به ویژگی‌ها و نیاز کودکان، اعمال می‌کنند. این گروه از والدین به دلایل شخصی (جنس، مرغوبیت، ارزانی و...) یا بدون توجه به کارکرد آن وسیله و سن کودک اقدام به خرید کرده‌اند. خرید درست یک وسیله‌ی بازی می‌تواند در ایجاد زمینه‌ی علاقه‌مندی کودک مفید باشد و راه را برای فعالیت او هموار سازد.

گاهی امکانات مادی خانواده نیز در خرید وسایل بازی تأثیر می‌گذارد. در خانواده‌های پرجمعیت و کم‌درآمد، به علت مشغله‌ی زیاد والدین، آن‌ها کم‌تر به بازی‌ها و وسایل بازی فرزندان خود توجه می‌کنند. و در نتیجه، کودکان طبقات پایین اجتماعی، به سبب نداشتن امکانات رفاهی و محدود بودن وسایل بازی، با وجود این‌که در مناطق شلوغ و پرجمعیت زندگی می‌کنند و دسترسی به هم‌بازی‌های بیش‌تر برایشان امکان‌پذیر است، کم‌تر بازی می‌کنند. در واقع، عامل داشتن هم‌بازی‌های متعدد برای جبران کمبود اسباب‌بازی کافی نیست^۱. یکی از دلایل شکست‌های تحصیلی و مشکلات یادگیری این گروه در مدرسه، تجربه نکردن بازی‌های پیچیده، نداشتن اسباب‌بازی و نبودن تنوع در بازی‌هایشان است^۲.

۲- محیط زندگی و فضای بازی:

طبیعی است که محیط زندگی، بر نوع بازی‌ها تأثیر دارد. آپارتمان‌نشینی بازی‌های خاصی را می‌طلبد و کودکان مجبورند به بازی‌های آرام و کم‌تحرك مشغول باشند. آن‌ها اغلب در منزل تنها هستند و هم‌بازی ندارند، در نتیجه، بازی‌های کامپیوتری و فکری از جمله بازی‌های رایج این کودکان است. در حالی‌که در مناطق روستایی، به دلیل وجود فضای باز و وضعیت جغرافیایی منطقه، کودکان از وسایل موجود در طبیعت استفاده می‌کنند و یا در مناطق کوهستانی سنگ‌نوردی و کوه‌نوردی، بازی مورد علاقه‌ی آن‌هاست. جدا از مسئله محیط‌زندگی کودک، محدوده‌ی فضای بازی را خود کودکان تعیین می‌کنند که گاه زیر میز، پشت در، درون یک کادر (خانه‌ی عروسکی) و بالأخره فضای باز است. فضای لازم برای هر کودک، در محیط‌های باز ۳۰ متر مربع و

۱- منبع شماره ۱ لاتین ص ۴۸۲

۲- منبع شماره ۵ ص ۹۹

۳- منبع شماره ۳ ص ۱۸۴

در فضای بسته ۱۵ متر مربع است. نتیجه تحقیقات در مورد فضای بازی و نحوه رفتار کودکان مؤید این مسئله است که تعداد کودکان، فضای اختصاص داده شده به هر کودک و تجهیزات برای بازی، در شکل‌گیری بازی و نتیجتاً رفتار کودکان مؤثر است.^۱ نتیجه‌ی تحقیقات «راجرز و سویر»^۲ نشان می‌دهد که هرچه فضای بازی کوچک‌تر و تعداد کودکان زیادتر باشد، واکنش‌های اجتماعی بیش‌تر افزایش می‌یابد و میزان خشونت بالا می‌رود.^۳ پس طبیعی است که کودکان در محیط‌های کوچک بیش‌تر یکدیگر را هل بدهند. زیرا شلوغی، مانع بازی گروهی می‌شود و میزان پرخاشگری را افزایش می‌دهد. از طرف دیگر، دختران معمولاً در فضایی نزدیک به خانه و در گروه‌های کوچک و تحت نظارت بزرگسالان بازی می‌کنند. در حالی که پسران به فضای حدوداً ۱۰ برابر دختران نیاز دارند و هرچه فضا بزرگ‌تر باشد بازی‌شان منظم‌تر است و دور و یا نزدیک بودن فضای بازی برای آن‌ها مطرح نیست.

اسباب بازی

کودک در حین بازی نیاز به ابزاری دارد که الهام‌بخش او باشد و یا او را در بازی همراهی کند. این وسیله می‌تواند دارای ساختار از قبل تعیین شده‌ای باشد، مثل عروسک، توپ، ماشین و یا وسیله‌ای که کودک خود آن را بسازد (تفنگ که به وسیله‌ی یک قطعه چوب ساخته شده و یا عروسکی که یک تکه پارچه‌ی تا شده باشد).

کودک در طی بازی، به بازیچه‌های خود روح می‌بخشد و آن‌ها را جزئی از خود می‌داند و گاه احساسات خود را با درآغوش گرفتن و یا شکستن آن‌ها نشان می‌دهد.

تاریخچه‌ی اسباب بازی به درازی تاریخ بشر است و صنعت اسباب‌بازی‌سازی، با توجه به پیشرفت تکنولوژی و نیازهای زمانه، تغییرات بسیار کرده است اما با توجه به همه‌ی این پیشرفت‌ها در زمینه‌ی اسباب بازی، قدمت بعضی از اسباب‌بازی‌ها مثل جغجغه، مهره‌ها، وسایل خانه‌بازی، بادبادک، فرفره و بالأخره عروسک، ریشه در تاریخ کهن دارد.

کودک و معیار انتخاب اسباب بازی: در انتخاب اسباب بازی، علاوه بر توجه به معیارهای رشد همه‌جانبه‌ی کودک (جدول اسباب‌بازی)، باید به نکات دیگری که ذیلاً ارائه می‌شود نیز، توجه نمود:

الف - جنس و مواد: در ساخت اسباب‌بازی‌های کودکان معمولاً فلز، پلاستیک، چوب، پارچه به کار برده شده است. اسباب‌بازی‌های فلزی، که تعدادشان اندک است، بیش‌تر وسایل بازی فضای باز (تاب، سرسره، الاکلنگ و...) را تشکیل می‌دهند و در برابر سرما و گرما مقاوم اند و به سادگی رنگ پذیرند. در عین حال، باید توجه داشت که فاقد هرگونه بریدگی و تیزی باشند و محل اتصال به خوبی جوش خورده باشد.

اسباب‌بازی‌های پلاستیکی که امروزه رواج بسیار دارند، باید از پلاستیک صاف و بدون لبه‌های تیز ساخته شوند. اسباب‌بازی‌های فضای باز که از جنس فایبرگلاس‌اند معمولاً در اثر تغییر دما ترک می‌خورند یا پوسته پوسته می‌شوند که در هر دو صورت می‌تواند به کودک آسیب برساند. بنابراین، باید تعویض شوند.

یکی از بهترین مواد برای ساخت وسایل بازی چوب است. چوب‌ها باید صاف و سبک و بدون تراشه باشند.

اسباب‌بازی‌های پارچه‌ای که معمولاً به صورت عروسک‌ها و یا حیوانات، در اختیار کودکان قرار می‌گیرند داخلشان با مواد پر شده است. این مواد باید کاملاً بهداشتی و تا حد امکان غیرقابل اشتعال باشند.

۱- منبع شماره ۳ ص ۲۹۳

۲- Ragers and Saiweyer (۱۹۸۸)

۳- منبع شماره ۶ ص ۲۱۶

ب — بهداشت و ایمنی: از آنجا که کودک در تمام مدت روز از بازیچه‌های خود دور نمی‌شود و آن‌ها را به همه جا می‌برد، این وسایل باید کاملاً ایمن باشند و نکات بهداشتی در آن‌ها باید رعایت شود.

در سنین اولیه‌ی کودکی، کودک وسایل بازی (نظیر جفجغه) را به دهان می‌برد، بنابراین، باید تیزی و یا شکستگی نداشته باشد. یا وسایلی که مدام در تماس با دست کودک است، مثل خمیر بازی، نباید از مواد رنگی سمی تهیه شده باشد. همچنین، مهره‌های ریز و یا فنرهای کوچک برای کودکان کوچک خطرناک است و چنانچه برای کشیدن اسباب بازی از نخ استفاده می‌شود، قطر نخ کم‌تر از ۱/۵ میلی‌متر نباشد و زیاد بلند نیز نباشد زیرا ممکن است کودک آن را دور گردن خود ببیچد.

ج — هم‌خوانی با فرهنگ جامعه: برای برقراری ارتباط معنادار بین بازیگر و بازیچه، اسباب بازی‌ها باید با فرهنگ جامعه هم‌خوانی داشته باشد. اسباب بازی‌ها معمولاً نمادی از وسایل زندگی کودک و یا قهرمانان تلویزیونی کودک‌اند. بنابراین، باید علاوه بر خوشایند بودن، ارزش‌های متداول جامعه را نیز به او بیاموزد و رفتارهای خشن و عکس‌العمل‌های خشونت‌آمیز را در وی تقویت نکند.

د — نزدیکی با واقعیت: معمولاً کودکان دوست دارند اسباب بازی‌هایشان رنگی از واقعیت داشته باشد. بنابراین، وسایل بازی‌ها می‌توانند نمادی از ابزار واقعی، که در دنیای بزرگسالان رایج است، باشند. لوازم خانه، وسایلی مثل اره و چکش، اتو، وسایل نقلیه و... این چنین‌اند و کودک، ضمن بازی با این بازیچه‌ها، با کاربرد واقعی ابزارهای زندگی آشنا می‌شود. اما باید توجه داشت که چنانچه چکشی بتواند میخی را بکوبد و میخ به درون چکش فرو رود، هرگز نیاز او به یک وسیله واقعی رفع نخواهد شد.

ه — آفرینندگی و سازندگی: کودک، در ضمن بازی، با بازیچه‌ی خود برخوردی فعال دارد. بنابراین، بهتر است وسیله‌ی بازی او را به فکر وادارد و یا او را تشویق کند که وسیله‌ی جدیدی بسازد. از این رو، اسباب بازی‌ها باید حرفی تازه نیز داشته باشند.

با توجه به موارد فوق باید به این نکته اشاره کرد که یک اسباب بازی می‌تواند یک و یا چند بعد را توأم داشته باشد اما آنچه ضروری است تناسب وسیله‌ی بازی با سن کودک است. زیرا بسیار دیده شده که وسیله‌ای خریداری شده است اما کودک قادر به بازی صحیح با آن نیست. مثلاً چهارچرخه‌ای برای کودک خریده‌اند و او مدت‌ها آن را با دست راه برده و قادر به پازدن نبوده است. تا این که قادر به چرخ‌سواری می‌شود، اما دیگر آن وسیله کهنه و یا شکسته شده و جذابیتش را از دست داده است.

وسایل بازی کودکان باید از همان ابتدا طبقه‌بندی شود و در جعبه‌های جداگانه‌ای قرار گیرد. در صورت زیاد بودن و یا تکراری بودن بعضی، بهتر است تعدادی از آن‌ها جدا شود و در مواقع دیگر در اختیار کودک قرارگیرد تا بدین ترتیب تازگی اسباب بازی از بین نرود و کودک بتواند به آسانی به اسباب بازی مورد نظر خود دسترسی داشته باشد. در خاتمه توجه شما را به جدول (۲-۱) که برای مطالعه و شناخت وسایل بازی کودکان، با توجه به سنشان، تنظیم شده است جلب می‌کند.^۱

سن	حسی و حرکتی	تقلیدی و اجتماعی	تجسمی و فکری
از تولد تا هجده ماهگی	جفجغه زنگوله دایره‌های زنگی حلقه‌های پلاستیکی اسباب بازی‌های فشاری صدا دار اشیای شناور برای آب‌بازی وسایل کشیدنی و هل دادنی روروک توپ پارچه‌ای	عروسک پارچه‌ای جانوران پلاستیکی یا پارچه‌ای تلفن کوچک وسایل نقلیه برای حمل بار	مکعب‌های سوراخ‌دار انواع تصویرهای تقسیم شده به چند قطعه برای بازسازی تصویر (پازل) با ۲ تا ۳ قطعه کتاب پارچه‌ای یا مقوایی
هجده ماهگی تا سه سالگی	ماسه، سطل، بیلچه و الک پیچ و مهره‌ی پلاستیکی چکش و میخ پلاستیکی سه چرخه توپ‌های بزرگ و کوچک وسایل کشیدنی و هل دادنی	عروسک‌های قابل شست‌وشو عروسک‌های پارچه‌ای حمام و وسایل شستن عروسک جانوران پلاستیکی وسایل خانه‌ی عروسک وسایل نقلیه‌ی چوبی	انواع تصویرهای تقسیم شده به چند قطعه برای بازسازی تصویر (پازل) با ۳ تا ۵ قطعه مکعب‌های درشت چوبی و پلاستیکی برای ساختمان‌سازی وسایل نقاشی کتاب تصویری با ورق‌های ضخیم
سه تا پنج سالگی	آلاکلنگ سُرُسُرُه تاب زردبان‌های فلزی وسایل کشیدنی و هل دادنی وسایل باغبانی ساده توپ در اندازه‌های مختلف وسایل ساده‌ی خیاطی سه چرخه	عروسک با همه‌ی لوازم آن (تختخواب، خانه، ظرف و مانند آن‌ها) جانوران گوناگون پلاستیکی و پارچه‌ای وسایل نقلیه‌ی گوناگون (تراکتور، ماشین‌آتش‌نشانی و مانند آن‌ها) انواع لباس‌های تقلیدی (لباس پرستار، پزشک، پلیس و مانند آن‌ها)	انواع تصویرهای تقسیم شده به چند قطعه برای بازسازی تصویر (پازل) ۹ تا ۱۵ قطعه وسایل نقاشی و خمیر مجسمه‌سازی دومینو مکعب‌های ساختمانی در اندازه‌های بزرگ و متوسط کتاب تصویری
پنج تا هشت سالگی	طناب توپ وسایل خیاطی وسایل پیچ و مهره‌ای دوچرخه کوچک	وسایل اندازه‌گیری (ساعت، متر، خط‌کش و مانند آن‌ها) عروسک و همه لوازم مربوط به آن انواع وسایل نقلیه و لوازم مربوط به آن وسایل نمایش عروسکی	وسایل نقاشی انواع تصویرهای تقسیم شده به چند قطعه برای بازسازی تصویر (پازل) با ۲۰ قطعه و بیشتر مکعب‌های ساختمانی در اندازه‌های کوچک بازی‌های چندنفره‌ی شمارشی، کارت‌های مصور بازی (مجموعه‌ی گل، هواپیما و مانند آن‌ها)

اسباب بازی‌های برگزیده از تولد تا ۵ سالگی: با توجه به نکاتی که در انتخاب اسباب بازی باید در نظر گرفت، در این مبحث به چند اسباب بازی برگزیده اشاره می‌شود. انتخاب این اسباب بازی‌ها از آن جهت است که علاوه بر سرگرم کردن کودک، مهارت‌های دیگری را نیز چون پرورش حواس، افزایش دقت و توجه، ارضای کنجکاوی، درک فضا و کاربرد اشیا و ... در کودک تقویت می‌نماید.

۱- **جفجغه^۱**: جفجغه‌ها، یکی از اولین اسباب بازی‌های کودکان است که با تولید صدا کودک را به خود جذب می‌کند. جفجغه‌ها در انواع گوناگون از نظر شکل، اندازه و رنگ عرضه می‌شود (شکل ۴-۲). از آن‌جا که کودک آن را می‌گیرد و به دهان می‌برد جنس آن باید به گونه‌ای باشد که باعث بریدگی لب و دست او نشود. در ضمن در رنگ آن از مواد غیرسمی استفاده شده باشد. جفجغه باید در فرم و شکلی باشد که کودک بتواند به راحتی آن را تکان دهد و دارای هیچ‌گونه منفذ و یا شکستگی نباشد تا مواد داخلی آن، که معمولاً سنگ‌ریزه و یا قطعات کوچک فلزی است، برای کودک اشکال ایجاد نکند.



شکل ۴-۲



شکل ۵-۲

این وسیله به سبب تولید صدا، علاوه بر پرورش حس شنوایی، دقت و هوشیاری کودک را افزایش می‌دهد و به دلیل برخورداری از رنگ‌های شفاف، حس بینایی او را تحریک می‌کند. علاوه بر این، استفاده از جفجغه، مهارت انگشتان و دست‌ها را برای گرفتن و تکان دادن افزایش می‌دهد.

۲- **اسباب بازی‌های توپیر و نرم^۲**: اسباب بازی‌های توپیر و نرم، یکی دیگر از وسایل بازی محبوب کودکان است. یک عروسک پارچه‌ای، خرس و یا گربه (شکل ۵-۲)، وقتی با صورت آن‌ها تماس حاصل می‌کند، برای کودک لذت بخش است و به مرور برایش تبدیل به جسمی آشنا می‌شود که به احساس امنیت او کمک می‌کند. به طوری که حتی زمان خواب، نیز آن‌را به همراه دارد (شکل ۵-۲).

۱- Rattel

۲- Soft toys



شکل ۲-۶

در انتخاب این نوع اسباب بازی‌ها باید دقت شود که شکل‌شان ترسناک نباشد و در ضمن مواد داخل این اسباب بازی‌ها بهداشتی باشد. اسباب بازی‌های توپر به شکل‌های گوناگونی عرضه می‌شود و در سنین بالاتر، اولین مخاطبان کودک به‌شمار می‌روند و به‌صورت هم‌بازی برای پرورش تخیلات کودک و ایجاد ارتباط کلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد (شکل ۲-۶).

این اسباب بازی‌ها، گاهی می‌تواند وسیله‌ی مناسبی برای تخلیه‌ی روانی و دارای ارزش روانی باشد و همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد، وسیله‌ای برای فائق آمدن بر ترس‌ها و اضطراب‌ها می‌گردد.

۳- اسباب بازی‌های مینیاتوری^۱: در حدود ۲ سالگی، کودک از تخیلات خود در بازی‌ها استفاده می‌کند. او به اسباب بازی‌هایش جان می‌بخشد و از بازی با اسباب بازی‌های کوچک، مثل حیوانات اهلی و وحشی (شکل ۲-۷)، وسایط نقلیه، مأموران آتش‌نشانی، فضانوردان، سرباز و پلیس لذت می‌برد و نهایتاً از تخیل خود برای ساختن بازی‌های نمایشی و تخیلی با این‌گونه اسباب بازی‌ها استفاده می‌کند. این اسباب بازی‌ها به دلیل نوع کاربرد و اندازه‌شان، از سه‌سالگی به بعد می‌تواند در مجموعه اسباب بازی‌های کودکان قرار گیرد. این وسایل پس از بازی باید در جعبه‌های مخصوص خود نگه‌داری شوند و با سایر اسباب بازی مخلوط نگردند تا کودک مجبور نشود برای یافتن آن‌ها تمام جعبه اسباب بازی‌های خود را وارونه کند.



شکل ۲-۷

تمرین

۱- پس از مطالعه‌ی مبحث فعالیت‌های مربوط به علوم طبیعی و اجتماعی، دقت کنید از این اسباب بازی‌ها در چه مواردی می‌توان استفاده کرد؟ نظر خود را بنویسید.

۴- اسباب بازی‌هایی که تولید صدا می‌کنند^۲: کودکان همیشه از شنیدن موسیقی لذت می‌برند و این احساس به‌مرور توسعه پیدا می‌کند و او یاد می‌گیرد با حرکات دست‌ها، ریتم آهنگ را اجرا کند. جعبه‌های آهنگین (موزیکال)، که با فشار یک دکمه و یا کشیدن یک نخ آهنگی را می‌نوازند، از جمله اسباب بازی‌های مورد علاقه‌ی کودکان است. این اسباب بازی، که در مراحل اولیه

۱- Miniature Toys

۲- Music Toys



شکل ۲-۸

به پرورش شنوایی، قدرت تمرکز و شادی منجر می‌شود، به مرور در سنین بالاتر او را برمی‌انگیزد که از وسایل موسیقی استفاده نماید. وسایل موسیقی چون طبل (شکل ۲-۸)، زنگوله، در قابلمه (سنج) و یا ریختن حبوبات درون بطری پلاستیکی، کودک را تشویق می‌کند که به موسیقی گوش دهد و آن را تقلید کند.

تمرین

- ۱- با استفاده از چند وسیله‌ی بی‌مصرف، یک اسباب بازی صدا دار تولید کنید.
- ۲- با ریختن حبوبات، سنگ‌ریزه، شن، آب در ظروف مشابه، صدا های گوناگون را تجربه کنید.



شکل ۲-۹

۵- اسباب بازی های کشیدنی^۱: این گونه اسباب بازی، از زمانی که کودک نشستن را یاد می‌گیرد، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. اسباب بازی های کشیدنی، باعث می‌شود که کودک برای راه رفتن ترغیب شود. بنابراین، باید زمانی مورد استفاده قرار گیرد که او روی پاهایش به طور محکم ایستاده باشد. اغلب این اسباب بازی ها به اشکال گوناگون دیده می‌شود. همزمان با حرکت دادن صدا تولید می‌کند که این مسئله خود باعث تشویق کودک می‌شود (شکل ۲-۹).

کودکان در حین کشیدن وسیله‌ی بازی خود، که معمولاً با استفاده از نخ و میله صورت می‌گیرد، انگشتان دستشان برای محکم گرفتن اشیا تقویت می‌شود.

تمرین

- ۱- در منزل و یا در مهدکودکی که کارورزی می‌کنید، ماشینی را انتخاب کنید و به آن نخ وصل کنید. سپس آن را در اختیار کودک ۴ ساله قرار دهید و مشاهدات خود را بنویسید.
- ۶- اسباب بازی های هل دادنی^۲: اسباب بازی های هل دادنی، مثل فرغون یا کالسکه، در آماده‌سازی کودک برای راه رفتن بسیار مناسب است. این نوع وسایل باید محکم باشد تا به سرعت واژگون نشود و کودک بتواند به راحتی و بدون ترس از آن استفاده کند. پس از مدتی کودک علاقه‌مند می‌شود عروسک‌ها یا وسایل خانه‌سازی را در آن قرار بدهد و آن را به جلو و عقب بکشد.

۱- Pull-along Toy

۲- Brick Trolley

این اسباب بازی، که در انواع مختلف ساخته می شود، بعدها برای بازی های تخیلی آن ها مفیدند و دنیای کودکانه ی آن ها را برای بازی های گوناگون وسعت می بخشند (شکل ۲-۱۰).

می توانید از لاستیک های بی مصرفی نیز فرغون بسازید. لاستیک های عاج رفته و بی مصرف را خوب بشوید. سپس درون آن را یک تخته سه لایی گرد بیندازید و زیرش سه بلبرینگ اضافه کنید (شکل ۲-۱۱). می توانید برای زیباتر شدن، لاستیک را رنگ بزنید و یا آن را با پارچه ای بپوشانید.



شکل ۲-۱۱



شکل ۲-۱۰

تمرین

۱- فکر کنید از چه وسایل بی مصرف دیگری می توان کالسکه و یا فرغون ساخت؟ پیش نهاد خود را بنویسید.



شکل ۲-۱۲

۷- اسباب بازی های راندنی^۱: بعضی از اسباب بازی های هل دادنی، قابل سوار شدن نیز هستند. این نوع اسباب بازی ها، گاه در شکل (شکل ۲-۱۲) وسایل نقلیه و یا حیوانات، از جمله اسباب بازی های مورد علاقه ی کودکان اند. از این رو باید به گونه ای طراحی شده باشد که کودک از روی آن نیفتد و یا ارتفاع آن باید در حدی باشد که برای کودک خطرناک نباشد.

داشتن چرخ های اضافی و برخورداری از فضای مناسب برای نشستن، از جمله موارد قابل توجه در انتخاب این وسایل است. این وسایل، که معمولاً از ۱۸ ماهگی مورد علاقه کودکان است، باعث پیشرفت تعادل و تصحیح حرکات بازو، پا و بدن کودک می شود.

کودک در ۳ سالگی پا زدن دو چرخه را می‌آموزد. رکاب زدن مستلزم تطابق تمام اعضای بدن است و کودک، علاوه بر داشتن تعادل، باید برای فشار دادن به رکاب از نیروی بدنی خوبی برخوردار باشد.

تمرین

۱- دو تصویر از وسایل راندنی مخصوص کودکان را از مجلات و یا روزنامه بپريد و در کتاب خود بچسبانيد. (می‌توانید طرح آن را بکشید).

۲- چنانچه کودک نتواند رکاب بزند، چگونه از وسیله‌ی بازی خود استفاده می‌کند؟ نظر خود را بنویسید.

۸- اسباب‌بازی‌های روی هم چیدنی و ساختنی: کودک نوپا از گذاشتن قطعات بر روی هم لذت می‌برد. او حین بازی با این‌گونه اسباب‌بازی‌ها تجربه می‌کند که چگونه اجسام با اشکال و اندازه‌های گوناگون می‌توانند روی هم قرار گیرند. این‌گونه اسباب‌بازی‌ها تمرینی است برای ایجاد مهارت‌های گوناگون. او می‌تواند آن‌ها را به هم بکوبد؛ آن‌ها را درون یکدیگر قرار دهد؛ روی هم بگذارد؛ برج بسازد؛ با ضربه‌ای آن‌ها را بریزد؛ چیزهایی را زیر آن‌ها پنهان کند و یا آن‌ها را به ترتیب شکل و رنگ از هم جدا کند. این نوع اسباب‌بازی‌ها، که در شکل‌ها و فرم‌های گوناگونی عرضه می‌شود، کودک را با مفاهیمی چون بزرگ، کوچک، گرد، چهارگوش و ... آشنا می‌سازد.

به مرور و همزمان با کسب مهارت‌های حرکتی دست‌ها و انگشتان، دامنه‌ی تخیلات کودک وسعت بیش‌تری می‌یابد و او خواهد توانست با اسباب‌بازی‌های ساختنی، مثل آجرهای پلاستیکی و یا چوبی کوچک‌تر به خانه‌سازی (شکل ۱۳-۲) بپردازد. بسیاری از این‌گونه اسباب‌بازی‌های ساختنی، از نظر سادگی و پیچیدگی و تعداد، درجات مختلفی دارند. آنچه در این، بازی‌ها اهمیت دارد این است که به کودک حق انتخاب و رهبری داده شود و او آزاد باشد تا آنچه را که می‌خواهد بسازد.



شکل ۱۳-۲

اسباب‌بازی‌های ساختنی باید محکم با دوام و قابل اتصال به هم باشند. در واقع قطعات باید به آسانی جفت شوند، یعنی نه‌چندان محکم شوند که جدا کردنشان از هم برای کودک دشوار باشد و نه چندان سست باشند که نتواند آن‌ها را به هم وصل کند. این قبیل اسباب‌بازی‌ها، علاوه بر کسب مهارت در استفاده از دودست، به کودک فرصت می‌دهد تا خلاقیت خود را نشان دهد و برنامه‌ریزی و نقشه کشیدن را تمرین کند. فضای بازی، برای این نوع اسباب‌بازی‌ها، باید نسبتاً وسیع و دور از محل رفت و آمد باشد تا کودک نگران خراب شدن آن‌چه که در حال ساختن است، نباشد.

تمرین

- ۱- می‌توانید تصاویری از این‌گونه اسباب‌بازی‌ها را از مجلات و یا برچسب اسباب‌بازی‌ها بپیرید و در کنار کتاب خود بچسبانید.
- ۲- این‌گونه اسباب‌بازی‌ها غیر از کسب مهارت دست‌ها و تطابق چشم و دست، چه آموزش‌های دیگری را به کودک می‌دهد؟
- ۳- در کار عملی با کودک، مشاهدات خود را در زمینه‌ی بازی با این‌گونه وسایل بنویسید.
- ۴- در بین وسایل منزل چه اشیائی را می‌توانید، به عنوان اسباب‌بازی‌های روی هم گذاشتنی، برای کودکان پیدا کنید؟ آن‌ها را نام ببرید.

۹- اسباب‌بازی‌های جا گذاشتنی^۱: کودکان ۱ تا ۲ ساله با تجربه‌ای که کسب کرده‌اند درمی‌یابند که اشیاء از نظر شکل و فرم، ویژگی خاص خود را دارند. بنابراین، آن‌ها در این سن به مرحله‌ای رسیده‌اند که می‌توانند اشیاء را در دست بگیرند و آن‌ها را در ظرف دیگری بیندازد. شما می‌توانید با استفاده از یک جعبه‌ی کفش و تعبیه کردن سوراخ‌های گوناگون گرد، چهارگوش، به آن‌ها فرصت دهید تا اشیاء را از سوراخ مربوط به خود به درون جعبه بیندازند. بر همین اساس اسباب‌بازی‌هایی برای ترغیب کودکان به شناختن شکل و اندازه طراحی شده است (شکل ۱۴-۲)، که با توجه به نوع طراحی آن (از آسان به پیچیده)، می‌توانند در سنین مختلف برای کودک مفید باشند.



شکل ۱۴-۲



قابلمه‌ها در اندازه‌های مختلف، ظروف پلاستیکی، بطری‌های پلاستیکی، عروسک‌هایی که درون یکدیگر قرار می‌گیرند، باز و بسته کردن در قوطی‌های مختلف و وسایلی از این‌گونه، برای تقویت دست‌ها، انگشتان و مچ دست مفیدند و باعث می‌شوند که کودک بعدها، شیر آب را به راحتی باز و بسته کند و یا در اتاق را بگشاید و ...

تمرین

با استفاده از یک جعبه و تعبیه‌ی چند سوراخ در فرم‌های گوناگون، اشیائی تهیه کنید که هر یک از سوراخ مخصوص خود قابل انداختن به درون جعبه باشند.

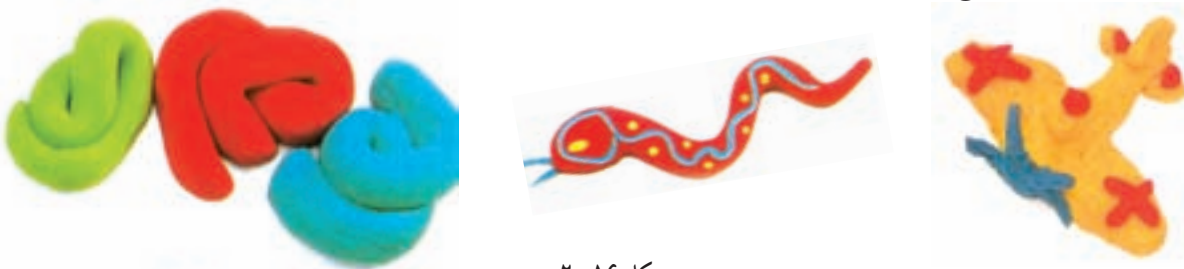
۱- مدادهای شمعی، ماژیک: کودکان در حدود یک سالگی اولین تجربه‌ی مداد به دست گرفتن و خط خطی کردن را فرامی‌گیرند و از این علامت‌گذاری لذت می‌برند. دادن مدادهای شمعی درشت، ماژیک‌های قابل شست‌وشو و مدادرنگی به آنها فرصت می‌دهد که این حرکات را تکرار کنند و ضمن کسب مهارت و تطابق حرکات چشم و دست، با رنگ و رنگ‌آمیزی نیز آشنا شوند (شکل ۱۵-۲).

این تجارب، زمینه را برای فعالیت‌های دیگری، مثل خمیر و گل را فراهم می‌سازد، که علاوه بر لذت بخش بودن، آنها را به سمت بازی‌های سازنده و خلاق سوق می‌دهد.



شکل ۱۵-۲

خمیر: خمیرهای بازی و گل‌ها نیز از دیگر اسباب‌بازی‌های این گروه هستند و کودک می‌تواند طی بازی با آنها، خلاقیت و نوآوری خود را به نمایش بگذارد. از آن‌جا که خمیر و گل از جمله وسایل بازی‌ای نیستند که کودک مدت طولانی با آن بازی کند، از این رو بازی با این وسیله برای کودکان نوپا نهایتاً ۳ دقیقه است و در سنین بالاتر با توجه به علاقه‌مندی کودکان این مدت افزایش می‌یابد. خمیربازی کودکان باید به گونه‌ای باشد که کودک به راحتی بتواند آن را فشار دهد، صاف کند؛ قالب بزند و باشکلی با آن بسازد (شکل ۱۶-۲) (رجوع شود به فصل هنر).



شکل ۱۶-۲

تمرین

۱- نمونه‌هایی از علامت‌گذاری‌ها و خط‌خطی کودکان را جمع‌آوری کنید و در کلاس نشان دهید.



شکل ۱۷-۲

۱۱- عروسک‌ها^۱: عروسک، یکی از قدیمی‌ترین وسایل بازی کودکان است و آن‌ها بدون توجه به جنسیت خود، از بازی با عروسک لذت می‌برند. جنس عروسک‌ها می‌تواند از پارچه، پلاستیک نرم یا شکننده باشد. عروسک‌های کودکان باید در اندازه‌ها و شکل‌های مختلف تهیه شوند تا کودک بتواند با آن‌ها ارتباط برقرار کند (شکل ۱۷-۲). تهیه‌ی لباس برای عروسک، بسیار مورد علاقه‌ی کودک است.

عروسک بازی یکی از محبوب‌ترین بازی‌های کودکان است. کودکان از عروسک‌های خود برای

ایفای نقش‌های گوناگون استفاده می‌کنند. آن‌ها با عروسک‌های خود حرف می‌زنند و احساسات خود را به نمایش می‌گذارند. هر چه عروسک از نظر شکل و لباس با ساختار فرهنگی کودک شبیه‌تر باشد، نزدیکی با عروسک بیش‌تر می‌شود، هر چند وسایل ارتباطی جمعی از نقش تأثیرگذار آن کاسته است.

تمرین

۱- ویژگی عروسک مورد علاقه خود را بنویسید.

۲- یک عروسک دل‌خواه بسازید.

۱۲- اسباب‌بازی‌های مربوط به خانه عروسکی: یکی از بازی‌های محبوب کودکان، عروسک بازی است. کودکان دوست دارند زیر میز، پشت پرده و بالأخره، در فضایی بسیار خصوصی، به بازی بپردازند. از این‌رو داشتن یک خانه‌ی عروسکی و وسایل منزل (مثل وسایل غذاخوری، تلفن، اتو، تخته‌خواب و کالسکه) (شکل ۱۸-۲) آن‌ها را برای اجرای بازی‌های تخیلی و بازی‌های تقلیدی مشتاق می‌نماید. خانه‌ی عروسکی کودکان می‌تواند یک جعبه‌ی مقوایی بزرگ و یا یک چادر و یا حتی یک پرده باشد که محیط بازی را برای او امن می‌کند، و کودک آزادانه می‌تواند در آن محیط به بازی بپردازد.



شکل ۱۸-۲

۱۳- توپ‌ها^۱: توپ، یکی از رایج‌ترین وسایل بازی کودکان است. یک کودک زمانی که چهار دست و پا راه می‌رود به تعقیب توپ علاقه دارد. همین کودک در سن نوپایی دوست دارد توپ را قل دهد و یا در گرفتن آن سعی کند و به تدریج که بزرگ‌تر می‌شود، با ضربه زدن به آن می‌تواند در بازی‌های سازمان یافته و هدف‌دار دیگری شرکت کند. بازی با توپ (پرتاب کردن و گرفتن)، در ایجاد تطابق بین چشم و دست او بسیار مؤثر است (شکل ۱۹-۲).



شکل ۱۹-۲

توپ‌ها انواع مختلف دارند: توپ‌های نرم و پلاستیکی، توپ‌های سوراخ‌دار، که گرفتنشان برای کودکان آسان است، توپ‌های پلاستیکی سبک و نرم که برای لگد زدن، مطلوب‌اند و بالأخره توپ‌های سنگین‌تر، که برای قل دادن مناسب‌اند و می‌توان آن‌ها را در اختیار کودک قرار داد.

تمرین

دو بازی با توپ برای کودکان ۳ ساله و ۵ ساله طراحی کنید.

۱۴- اسباب‌بازی‌های کاربردی^۲: کودکان نسبت به محیط اطراف

خود کنجکاوند و دوست دارند فعالیت‌های والدین را تقلید کنند. آن‌ها ابزارهایی دارند که بزرگ‌ترها از آن استفاده می‌کنند، مانند وسایل پزشکی، نجاری، خیاطی و ... بسیار علاقه دارند. بنابراین، برای کودکان باید اسباب‌بازی‌هایی تهیه کرد که به آن‌ها امکان بدهد به فعالیت‌هایی بپردازند که بزرگ‌ترها به آن‌ها می‌پردازند. مانند قیچی‌های کوچک نوک گرد برای بریدن، مهره‌های رنگی برای نخ کردن، سوزن‌های پلاستیکی برای دوختن و غیره (شکل ۲۰-۲).



شکل ۲۰-۲

این وسایل علاوه بر ارضای کنجکاوی، باعث پرورش حرکات ظریف انگشتان، تقویت مهارت هر دو دست، تطابق چشم و دست و بالأخره تمرکز و توانایی حل مسئله می‌شود.

تمرین

با استفاده از یک مقوا و کشیدن طرح مورد علاقه‌ی خود بر روی آن، یک کارت دوخت تهیه کنید.

۱۵- جورجورک^۱: پازل یکی دیگر از اسباب‌بازی‌های مناسب برای کودکان است. پازل‌ها علاوه بر افزایش توانایی تشخیص و تمرکز، به شناخت اشکال و تطابق چشمی نیز کمک می‌کنند. بهترین شروع برای استفاده از جورجورک‌ها، فراهم کردن جورجورکی است با اشکال ساده و آشنا برای کودک. جنس پازل‌ها می‌تواند چوبی، پلاستیکی، اسفنجی و حتی مقوایی باشد. صفحه‌ی پازل از ۲ قطعه شروع می‌شود و تا چندین هزار قطعه افزایش می‌یابد (شکل ۲۱-۲). تعداد قطعات با سن کودکان ارتباط دارد. پازل ۲ تا ۳ قطعه برای کودکان ۱۸ ماهه، ۳ تا ۵ قطعه برای ۱۸ ماهه، تا ۳ ساله، ۹ تا ۱۵ قطعه برای کودکان ۳ تا ۵ ساله مناسب است و به همین ترتیب با افزایش سن، تعداد قطعات باید بیش‌تر شود.



شکل ۲۱-۲

پیش نهاد و تمرین

۱- عکس‌های مناسب را از روزنامه‌ها ببرید و روی مقوا بچسبانید و با توجه به تصویر آن را به قطعات گوناگون تقسیم کنید (پازل بسازید).

۲- تصویر یک انسان کامل را از روزنامه ببرید و یا خودتان بکشید و آن را روی مقوا بچسبانید. سپس اعضای مختلف بدن را مجزا کنید. با پازل انسانی که ساخته‌اید می‌توانید اعضای مختلف بدن را به کودک آموزش دهید و یا از او بخواهید، ضمن نام بردن قسمت‌های مختلف بدن، انسان کامل را جور کند.

۱۶- اسباب‌بازی‌های چندکاره^۱: با افزایش سن کودک، کنجکاوی او نسبت به محیط بیش‌تر می‌شود. بنابراین، اسباب‌بازی‌هایی را دوست دارد که علاوه بر تولید صدا، قسمت‌های متحرکی داشته باشد تا او بتواند قسمت‌هایی از آن را بچرخاند، بیچاند، فشار دهد و یا ضربه‌ای به آن بزند. این اسباب‌بازی‌ها که معمولاً از ۶ ماهگی می‌تواند مورد استفاده کودک قرار گیرد و گاه تا ۱۸ ماهگی برای کودک جذاب و دلنشین‌اند، اغلب شامل برجستگی‌ها و یا دگمه‌هایی است که هر یک حرکات مختلف دست و انگشتان را تقویت می‌کنند (شکل ۲-۲۲).

این اسباب‌بازی‌ها در انواع مختلف برای کودکان با سنین متفاوت، طراحی شده است.



شکل ۲-۲۲

۱۷- وسایل بازی در فضای باز: نور، هوای تازه و فضای باز به کودکان فرصت می‌دهد تا بهتر بتوانند به فعالیت‌های جسمانی بپردازند. معمولاً در فضای باز، امکان استفاده از یک سری تجهیزات بزرگ برای بازی وجود دارد: تاب، سرسره، الاکلنگ، نردبان‌های بالارونده، وسایل تعادلی و... (شکل ۲۳-۲) از جمله‌ی این وسایل اند. تراکم این نوع وسایل بزرگ بازی در محوطه‌ای محدود، به کاهش بازدهی و کاربرد منجر می‌شود^۱ و خطراتی را برای کودکان ایجاد می‌کند. بنابراین، در طراحی، نصب و محل استقرار این وسایل باید دقت شود.



شکل ۲۳-۲

تمرین

- از یک پارک بازی بازدید کنید و به سؤالات زیر پاسخ دهید.
- الف - وسایل بازی آن جا را نام ببرید.
- ب - زمین بازی با چه چیزهایی مفروش شده است؟
- ج - مواردی را، که از نظر شما خطرآفرین است، فهرست کنید.



شکل ۲۴-۲

۱۸- کتاب: هر چند کتاب جزو وسایل بازی نیست، اما باید از همان کودکی جزو مجموعه ابزاری باشد که کودک در اختیار دارد. امروزه کتاب‌های مختلفی برای کودکان ساخته شده است. کتاب‌هایی که با فشار دادن یک تصویر به صدا درمی‌آید؛ کتاب‌هایی که یک قسمت آن باز می‌شود و یا کتاب‌های مقوایی کلفت و پارچه‌ای (شکل ۲۴-۲).

بهترین سن کتاب‌خوانی برای کودکان از ۱۰ ماهگی است و قبل از آن باید برای کودکان لالایی خوانند. با پریدن و چسباندن عکس‌های آشنا بروی مقوا می‌توانید برای کودکان کتاب بسازید و در مورد تصاویر برای آن‌ها صحبت کنید. کودکان در ۲ سالگی

کتاب‌های ریتم‌دار را دوست دارند و در سنین بالاتر کتاب‌هایی با شخصیت‌های آشنا و فضای ملموس می‌تواند مورد علاقه‌ی آن‌ها قرار گیرد. استفاده از کتاب، علاوه بر افزایش خزانه‌ی لغات کودکان، تخیلات آن‌ها را توسعه می‌دهد.

تمرین

با انتخاب مجموعه‌ای عکس از روزنامه‌ها و مجلات و جیب‌اندن آن‌ها بر روی مقوا، یک کتاب تصویری بسازید.

۱۹- آب و شن: بازی با آب و شن یکی از متداول‌ترین و محبوب‌ترین بازی کودکان است. کودک، ضمن بازی با آب و شن، علاوه بر لذت و تفریح با نکات آموزشی فراوانی چون شناور بودن، شکل‌پذیری، فشار و مفاهیمی چون حجم، ظرفیت و ... آشنا می‌شود. برای بازی با شن و آب باید به نکات خاصی توجه داشت:

- تمیز بودن آب و شن از نظر ظرف و محتوا:
- در اختیار گذاشتن وسایل بازی، مثل ظروف پلاستیکی، شلنگ، آبکش، لیوان‌های مدرج، قالب‌های گوناگون، مواد رنگی و کودک ضمن بازی می‌تواند با مفاهیمی چون شناور شدن اجسام، ته‌نشین شدن، رنگ‌پذیری، حلال‌ها و ... آشنا شود. در بازی با آب به نکات ایمنی باید توجه کرد:
- محل قرارگرفتن ظرف آب و شن در فضای باز؛
- سر بسته بودن ظرف بعد از بازی؛
- اشاره به خطرات ناشی از پرتاب شن خشک و فروکردن سر در آب

خود را بیازمایید

- ۱- ارزش اجتماعی بازی را با ذکر یک مثال تعریف کنید.
- ۲- بازی‌های گروهی، چه مفاهیمی را به کودکان می‌آموزند؟
- ۳- بازی جبرانی را تعریف کنید.
- ۴- اهداف بازی «عمو زنجیرباف» را بنویسید.
- ۵- چرا دختران نسبت به اسباب‌بازی‌های پسران، علاقه‌ی بیش‌تری نشان می‌دهند؟
- ۶- کودکان باهوش چگونه بازی می‌کنند؟
- ۷- کودک ۹ تا ۱۳ ماهه نسبت به هم‌بازی‌اش چگونه عمل می‌کند؟
- ۸- تفاوت بین هم‌بازی و هم‌جواری چیست؟
- ۹- والدین به‌عنوان هم‌بازی کودکان چه نکاتی را باید رعایت کنند؟
- ۱۰- ۵ ملاک برای انتخاب یک وسیله‌ی بازی مناسب را نام ببرید.
- ۱۱- نکات ایمنی در مورد خرید اسباب‌بازی را بنویسید.
- ۱۲- تعداد اسباب‌بازی، چگونه در بازی کودکان تأثیر می‌گذارد؟
- ۱۳- با توجه به آموخته‌ی خود، فهرستی از کلیه‌ی اسباب‌بازی‌هایی که برای کودکان پیش از دبستان مناسب است، تهیه کنید.
- ۱۴- سه نمونه بازی سنتی را نام برده و ارزش آن‌ها را با یکدیگر مقایسه کنید.

کتابنامه

فارسی

- ۱- اسپادک برنارد : آموزش در دوران کودکی، حسین لطف آبادی، آستان قدس رضوی.
- ۲- الکانید، دیوید : رشد کودک و تعلیم و تربیت از دیدگاه پیاژه، ترجمه‌ی دکتر حسین نائی، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴.
- ۳- ماسن پاول هنری : رشد و شخصیت کودک، تهران، مراکز نشر، چاپ اول، ۱۳۶۸.
- ۴- سینگر دورتی جی و رونسون تریسی : کودک چگونه فکر می‌کند، ترجمه‌ی مصطفی کریمی، تهران، آموزش، چاپ سوم، ۱۳۷۶.
- ۵- هارلوک الیزابت : بازی، ترجمه‌ی وحید رواندوست، تهران، یوش، ۱۳۶۴.
- ۶- هتریگتون و پارک راسری : روان‌شناسی کودک از دیدگاه معاصر، گروه مترجمان، آستان قدس رضوی (جلد ۱ و ۲)، سال ۱۳۷۳.
- ۷- کالوت دیدیه : فرزند خود را در بازی‌ها بهتر بشناسیم، ترجمه‌ی محمدرضا شجاع رضوی، تهران، شرکت تیزهوش و هاشمی، ۱۳۶۱.
- ۸- شورای کتاب کودک، فرهنگنامه‌ی کودکان و نوجوانان (جلد دوم)، تهران. شرکت تهیه و نشر فرهنگنامه‌ی کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۶.
- ۹- هیلگارد، ارنست و دیگران : زمینه‌ی روان‌شناسی، گروه مترجمان (جلد ۱)، تهران- رشد، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۷.
- ۱۰- وینکلر ادوارد، اشتوکینگر ما گداسن : دنیای کوچک بزرگ من، وجیهه حاکمی، تهران، فکرروز، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
- ۱۱- والنیتن، سن : کودک عادی و برخی از موارد غیرعادی بودن، ترجمه‌ی حسب‌الله فصیحی، تهران، سال ۱۳۶۵.
- ۱۲- مطلق‌زاده رؤیا : وسایل بازی کودکان، تهران، سازمان زیباشناسی شهر تهران، ۱۳۷۸.

انگلیسی

- ۱- Charles worth, Rosalind «understanding child development»: for adualt who work with young children 4 thed. Delmar 1996.
- ۲- Hoffman Loise Norma waldis Scott Paris Hall Elizabet, Developmental, Psychology today, 6thed. Macgro Hill 1999.
- ۳- Issacs Susan. Playing the infants' school, Methuen and CO. LTD. London 1989.
- ۴- Macdonald, Sandy «the toys us» Gvide to choosing the Right toys for your child. Newyork 1996.